

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

این شماره : ۸ صفحه

دوره هفتم، سال اول، شماره ۵۴
شنبه ۲۷ مرداد ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

از انقلاب با اصولیت و با مسئولیت باید دفاع کرد

مطبوعات باید متوجه
مسئولیت انقلابی خود باشند

آرزوی ماست که انقلاب
ایران از گردنه‌های آینده
بی فاجعه بگذرد

در صفحه ۷

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت
سالگرد جنایت سینما رکس آبادان

از تکرار جنایات امپریالیسم
و عمال آن فقط با
مبارزه متحد خلق
میتوان جلوگیری
کرد

هموطنان عزیز!

یک سال پیش، در چنین روزی، وقتی که نخستین موجهای
خشم توده‌ها، تحت خونین سلطنت پهلوی و پایگاه اقتدار امپریالیسم،
بسرکردگی امپریالیسم آمریکا راه لرزه انداخته بود، رژیم جنایت
پیشه آریامهری دست به یکی از سنگین‌ترین جنایات بشری زد.
کارگران رژیم غارت و شکنجه با اجرای توطئه‌ای بیرحمانه و
دشمنانه، ابتدا راه‌های فرار را بستند و آنگاه با فرستادن گاز
مخصوصی، که از اسرائیل آورده بودند، سیمانی را که ۱۰۰۰ زن و
مرد دیر و جوان در آن سرگرم تماشای فیلمی بودند، به آتش
کشیدند. آدمکشان شاه مخلوع به دستور اربابان امپریالیست خود،
بقیه در صفحه ۴

انتشارنامه سرگشاده کمیته مرکزی
حزب توده ایران در مجله
«فلسطین الثورة»

عربی / دولی

ایران:

بیان من اللجنة المركزية لحزب توده:

کیف نمی مکاسب الشعب

يجب العمل على تصفية
بقايا مؤسسات النظام الفاسد

في اوائل تموز الجاري، صدر في طهران بيان عن اللجنة
المرکزية لحزب «توده» الإيراني يتناول مجمل قضايا الثورة
الإيرانية وما تعرض له من دسائس ومكائد من قبل الإمبريالية
العالمية والامركية بالتحديد، وفيما يلي معجم ما جاء في البيان:

مجله «فلسطین الثورة»، ارگان مرکزی سازمان آزادیبخش
فلسطین، در شماره ۳۸۹ مورخ شانزده ژوئیه، ۱۹۷۹ (۲۵ تیرماه
۱۳۵۸)، نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران (اول مرداد
۵۸) را با ذکر مقدمه‌ای چاپ کرده است. «فلسطین الثورة» در این
مقدمه نوشته است:

« در اوایل ژوئیه، در تهران، اعلامیه‌ای از طرف کمیته
مرکزی حزب توده ایران انتشار یافت، که در آن تمام مسائل انقلاب
ایران و دسائس و توطئه‌هایی را که توسط امپریالیسم جهانی، و بخصوص
امپریالیسم آمریکا، بر سر راه این انقلاب گسترده شده است، تجزیه
و تحلیل نمود.»

در صفحات بعد:

طرح پیشنهادی
حزب کمونیست
عراق برای تشکیل
جبهه ملی و
دموکراتیک عراق
(صفحه ۳- ستون اول)

پیام فیدل کاسترو
به امام خمینی
(صفحه ۴ - ستون سوم)

کشورهای
سوسیالیستی پشتیبان
نیرومند جنبش‌های
آزادیبخش ملی
(صفحه ۶ - ستون پنجم)

مخالفت با سیاست
عدم تعهد یعنی
مخالفت با سیاست
مستقل ملی
(صفحه ۸ - ستون سوم)

امام با تشکیل
دادگاه‌های جرائم
ضد انقلاب «مخالفت
کرد
(صفحه ۸ - ستون سوم)

رفیق راه بیا -
شعری از سیروس
نیرو
(صفحه ۸ - ستون اول)

تجربه ۲۸ مرداد

تعبیر استیفای
حقوق ایران از
نفت جنوب و
آرایش قوا
پیرامون آن
در صفحه ۲

بزودی منتشر میشود

دنیای

۱

نشریه سیاسی و تئوریک
کمیته مرکزی حزب توده ایران
بنیادگذار: دکتر تقی ارانی

خوزستان را دریابید

در صفحه ۶

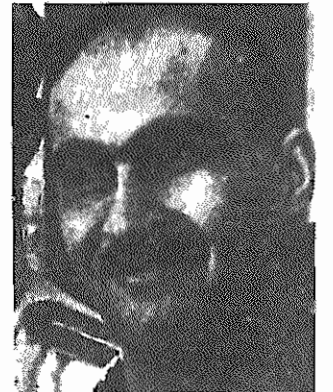
افول شکوهمند شش زندگی!



سرگرد رحیم بهزاد



ستوان یکم منوچهر مختاری



سروان اسمعیل محققزاده

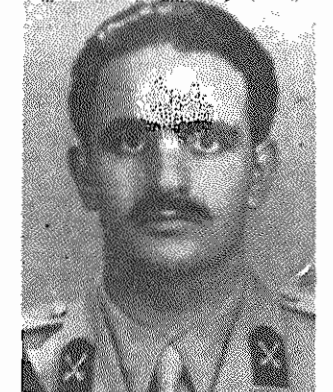


ستوان سوم هوانی

اسداله نصیری



ستوان یکم حسین مروان



سرگرد ارستو سروشیان

انگیز بود. خبر نکار عکاس
اطلاعات دریای عکس او، که خنده‌اش
بر درد و شکنجه پیروز شده بود،
نوشت، این سروان محققزاده
است، در همین لحظه او را از اطاق
شکنجه به سلول زندان آورده‌اند.
خنده او اعجاب‌انگیز است.
هنگامیکه محاکمه رفیق

شهید محققزاده و یازده تن
از افسران هم‌رزم او در
دادگاه در بسته نظامی جریان
داشت، یکی از افسران فرمانداری
نظامی تهران، همکار تیموربختیار
و از دشمنان سرسخت توده‌ایها، که
در این دادگاه حضور داشت، به
یکی از هم‌زمان محققزاده
گفته بود:

روشن است که من از مخالفان
پروپاگراس حزب توده ایران
بقیه در صفحه ۷

قتل شد، تا آخرین پیام مسافران
دیاریستی را بشنوند. آخرین
پیام، سرود حزب توده ایران، بانگ
زندگی، بانگ رزم بود که از شش
جنجوره، هم‌زمان، در فضایل کشود
و در قلوب هم‌زمان بر آتش شعله -
ناگه‌گون و نبرد دامن زد.

شش ستاره‌ای که سحرگاه روز
۲۶ مرداد سال ۱۳۳۴ بزمن
کشیده شدند، آیه‌های دلآوری،
پیکارجویی، امیدواری مردمی بودند.
در روزهای غم‌آکنده که دشمن
سه دل، یاس و شکست و ناآواری
تبلیغ میکرد، آنها مروای ناک
شادی و امید و شوق بزندگی و نبرد
بودند. سیمای خندان و دلپذیر
محققزاده، حتی در لحظاتی که
باجسمی در هم کوبیده شده از اطاق
شکنجه به سلول انفرادی انتقال
داده میشد، نه فقط مایه اعجاب
دوست، بلکه برای دشمن نیز بهت

شش مرد، شش دلآور، شش
نستوه، شش قهرمان، سحرگاه روز
۲۶ مرداد سال ۱۳۳۴ پیکرشان
بر خاک افتاد، سروان اسمعیل
محققزاده، ستوان یکم منوچهر
مختاری، سرگرد رحیم بهزاد،
سرگرد ارستو سروشیان،
ستوان یکم حسین مروان،

ستوان سوم اسداله نصیری.
ماه هنوز در آسمان تیره
شب ۲۶ مرداد سرگردان بود که
جلادان بسراغ شش مبارز رفتند،
شش مبارزی که بزرگترین گناهشان
همدلی با خلق بود. آنها بی‌هراس
از مرگ، لبریز از ایثار، آماده
برای شهادت، با جلادان روبرو
شدند. طنین گام‌هایشان در
راهروهای زندان، یاران زندانی را
ناخواسته از خواب بیدار کرد.
بیزون خبری بود، گوشها به درها

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران باشد

تجربه ۲۸ مرداد (۳)

تعبیر استیفای حقوق ایران از نفت جنوب و آرایش قوا پیرامون آن

استیفای حقوق ایران از نفت جنوب، مفهوم بسیار کشداری بود که هر قشر و طبقه اجتماعی میتوانست منظور و مقصود خود را در آن بکنجداند. بخشی از هیئت حاکمه ایران، که وابسته به امپریالیسم انگلیس بود، این مفهوم را بدین معنا تعبیر میکرد که چندرغازی به درآمد سالانه ایران از نفت جنوب افزوده شود و در عوض موقعیت شرکت نفت از نظر حقوقی تحکیم گردد. کسانی که چنین فکر میکردند در جامعه ایران منفرد بودند و میبایست مقصود خود را پنهان کنند.

مخالف وابسته به امپریالیسم آمریکا مفهوم «استیفای حقوق ایران از نفت جنوب» را بمعنای تجدید نظر در قرارداد ۱۹۳۳، شریک کردن انحصارات نفتی آمریکائی در غارت منابع نفت ایران و افزایش نسبی درآمد ایران تعبیر میکردند. تجسم این تعبیر، قرارداد ایران و کنسرسیوم است، که پس از کودتای ۲۸ مرداد منعقد شد.

نظر مخالف وابسته به امپریالیسم آمریکا به اندازه نظر مخالف انگلیسی مورد نفرت نبود. نه تنها بخشی بزرگی از هیئت حاکمه با این نظر موافقت داشت، بلکه قشر قابل ملاحظه‌ای از محافل بورژوازی و روشنفکری هم - درست همان محافلی که در حزب دمکرات قوام السلطنه متمرکز شدند و در سرکوب جنبش توده‌ای فلالانه شرکت کردند - نظرهای آمریکائی را تأیید میکردند، بطوریکه افکار عمومی نسبت به توطئه‌های انحصارات آمریکائی روشن نبود و در برابر آن مقاومت زیادی نشان نمیداد.

افزایش میکنیم که مخالف آمریکائی نیز نظر خود را آشکارا بیان نمیکردند. سیاست آنان در عرصه نفت ایران جزئی بود از یک سیاست کلی در مقیاس خاورمیانه. این سیاست کلی عبارت از آن بود که نو استعمار آمریکا، زیر عنوان مبارزه با کمونیسم، «دفاع از دمکراسی»، «کمک به گسترش اقتصادی و رفاه ملتها» جای استعمار کهن انگلیس را بگیرد.

این سیاست در جبهه فئودالها و اشراف و قشر فوقانی بورژوازی که از رشد جنبش توده‌ای و نبرد طبقاتی - بسوخت افتاده بودند، زمینه‌ی مساعدی مییافت. دفاع از امپریالیسم آمریکا در این محافل و حتی محافل و سمینار روشنفکری امری عادی تلقی میشد و بسیاری از نویسندگان و سیاستمداران قبیح آنرا درک نمیکردند و آنرا عار نمیشدند. گسترش نفوذ آمریکا در سرتاس اروپای باختری و آغاز شدن گسترش آن در خاورمیانه با استقبال این محافل روبرو میشد، برخی از روزنامه‌های تهران، بدون درغده خاطر و بدون ترس از افکار عمومی،

وابستگی ترکیه به آمریکا - که آغاز موشد - میستوندند. از توطئه های آمریکا در بالکن - بویژه یونان - ابراز مسرت میکردند و در مورد ایران نیز با کمال سادگی توصیه می کردند که ایران هر چه بهتر به آمریکا نزدیک شود. هیئت حاکمه درباری که جای خود دارد، محافلی که خود را ملی میدانستند - و تجربه نشان داد که برخی از آنها واقعا ملی اند - با اشتیاق باور نکردنی چشم انتظار «کمک های آمریکا به ایران» نشسته بودند و ادعا میکردند که تهرانه نجات ایران از سلطه بیگانه، از جهل، بیماری، فقر و ... دراز کردن دست تکیه بسوی آمریکا است.

تنها سازمان سیاسی، که عمق خطر امپریالیسم آمریکا را درک میکرد و ماهیت درنده آنرا میشناخت و افشا میکرد، حزب توده ایران بود. برای حزب توده ایران «استیفای حقوق ایران از نفت جنوب» بمعنای طرد کامل شرکت نفت انگلیس و در ضمن جلوگیری از جانفشین شدن امپریالیسم آمریکا بود. حزب ما با وجود ضربات سهمگینی که در سال ۲۵ تحمل کرد و با اینکه تقریباً تمام سال ۱۳۴۶ را در نبرد با گروه خلیل ملکی و خنثی کردن خرابکاری انشای بون گذرانید، موضوع مبارزه همه جانبه با امپریالیسم را از نظر دور نداشت و بلافاصله که از زیر آوار مشقتها قد برافراشت مبارزه با شرکت انگلیسی غاصب نفت را در دستور روز گذاشت. یائیز و زمستان ۱۳۲۷، افتخار شرکت غاصب از طرف حزب ما دست گرفت و در همین ۱۳۲۷ - همزمان با طرح استیضاح معروف عباس اسکندری در مجلس در موضوع نفت - برای نخستین بار در تاریخ ایران راه پیمائی ضد شرکت غاصب انگلیسی، زیر رهبری حزب توده ایران سازمان یافت. مسیر راهپیمائی از دانشگاه تهران به بهارستان بود. خوشبختانه دانشجویان حزب ایران نیز به این راهپیمائی پیوستند شمار راهپیمائی عبارت بود از:

«لغو قرارداد ۱۹۳۳ و طرد شرکت غاصب نفت». این شعار در آزمون قاطع ترین شعار ضد امپریالیستی بود همه دیگران چیزی کمتر از این میکردند و طرد شرکت غاصب نفت را غیرممکن میدانستند.

توطئه پانزده بهمن و تاثیر آن در آرایش قوا

امپریالیسم انگلیس و متحدینش، از آنجا که افراد کامل خود را احساس میکردند، میدانستند که قادر نخواهند بود مسئله نفت را بسود خود و طبق میل خود حل کنند، مگر در محیط ارباب و ترور. از تابستان ۱۳۲۷، که موضوع نفت حادث شد، مخالف وابسته به استعمار انگلیس، زیر نظارت مستقیم وزارت خارجه انگلیس و اینتلجنت سرویس، به آماده کردن شرایط پرداختند. جناح انگلیسی دربار تکیه گاه اصلی آنها بود. استعمارگران در دو سمت عمل میکردند: نخست اینکه جای خود را در داخل دربار محکم تر کرده با شاه وارد معامله میشدند. دوم اینکه به تقصیف حزب توده ایران مهورداختند، تا از هیستری ضد کمونیستی برای مرعوب کردن تمام جامعه استفاده کنند. حساب آنان این بود که، در اجرای نقشه ضد حزب توده ایران - برخلاف موضوع نفت - تنها نخواهند بود و محافل امپریالیستی آمریکا و متحدین ایرانی را نیز با خود خواهند داشت.

حادثه ۱۵ بهمن بهانه مناسبی برای اجرای این نقشه بدست داد. حزب توده ایران بلافاصله - حتی قبل از اینکه نام و نشان ضارب بدرستی معلوم باشد - معسر، شناخته شد و «انحلال» آن اعلام گردید. و بلافاصله مذاکره نهائی برای استیفای حقوق ایران و حل مسئله نفت در خفا آغاز شد، که حاصل آن قرارداد الحاقی «کس-گلشائیان» است.

بر اثر هجوم وحشیانه پلیس به سازمانهای حزب توده ایران، حزب مجبور شد بخش اعظم انرژئی خود را صرف سازماندهی کار مخفی کند و سازمانهای پنهانی بوجود آورد. حزب برای مدتی از امکانات علنی و انتشار روزنامه علنی - ولو تحت عنوان دیگر - محروم شد. تدارک انتشار روزنامه مخفی نیز مدتی بطول میکشید. لذا بلافاصله پس از ۱۵ بهمن کسی نبود که در برابر قرارداد الحاقی، از طرف کامل شرکت نفت دفاع کند.

در این فرصت بود که مخالف نزدیک به امپریالیسم آمریکا و از جمله نیروهای ملی که چشم به آنسوی داشتند، مقوف خود را متشکلتر کردند و نظریات خود را روشتر بیان داشتند، دکتر بقائی وکیل مجلس پانزدهم، که پس از ۱۵ بهمن برای مدتی سخشکوی واقعی این قشرها بود، نظر خود را بشکل زیرین در مجلس شورا بیان کرد:

«دولت باید بجای مرافقه درباره ۱۲ یا ۱۶ شلینگ، تجدید قرارداد شرکت نفت ایران و انگلیس را براساس شالوده قراردادهای دنیا پسندی که شرکت های جدید در خاورمیانه تنظیم کرده اند. خواهان بشود. مثلا دولت باید خواستار شود که این شرکت براساس ۵۱ سهم و ۴۹ سهم قرار گیرد.» (۱)

منظور بقائی از قراردادهای «دنیا پسند» جدید خاورمیانه قراردادهای امتیازی است که در همان سالها، انحصارات آمریکائی با کشورهای نظیر عربستان سعودی، براساس تقسیم باصطلاح پنجاه و پنج درصد درآمد، منعقد کردند. همان قراردادهای «یکه» بنا به محاسبه او یک، در واقع تقسیم به نسبت ۰/۶ - ۰/۹۴ بود!

بقائی به نمایندگان مجلس توضیح میداد که انعقاد چنین قراردادی مقدور است، زیرا در داخل و خارج کشور چنان نیروئی وجود دارد که میتواند آنرا بکرسی بنشاند. او میگفت:

«دولت ایران میتواند با تدبیر لازم سهامدار عمده شرکت شود... ولی شرطش اینست که از وضعیت فعلی دنیا استفاده کنیم ... آقایان، ترکیه را بروید تاریخش را ببینید، مگر آنها چکار کردند. اینها همان ترکیهائی هستند که تا چند سال پیش خودتان میدانید چطور بودند، اما حالا دارند اینقدر استفاده میکنند. آخر بروید اینها را یک قدری ملاحظه کنید. در این دایره کوتاه فکر نمایند.» (۲)

شاید خواننده خالی الذهن امروز نتواند بدرستی منطق بقائی را درک کند. مگر ترکیه چه استفاده‌ای کرده‌اند؟ ترکیه - چنانکه امروز میدانیم - در دوران پس از جنگ دچار انواع بلاها بوده و هست. ولی اگر به آن روزها برگردیم، منظور بقائی را بروشی درک خواهیم کرد.

در آن زمان، ارتجاع ترکیه، برای جلوگیری از گسترش نفوذ جنبش توده‌ای و حفظ امتیازات خویش، بزیردامن امپریالیسم آمریکا میخیزید. امپریالیسم انگلیس، که قدرت نداشت تا مواضع خود را در ترکیه حفظ کند، رسماً از دولت آمریکا میخواست که جای او را در ترکیه پر کند و مسؤولیت واگذاری «کمک» به ترکیه را بعهده گیرد. (۳) ارتجاع ترکیه نیز امپریالیسم تازه نفس آمریکا را با آغوش باز میپذیرفت.

منظور بقائی‌ها آشکارا همین بود که ایران باید به آمریکا بپیوندد و از «کمکهای» آمریکا هر چه بیشتر بهره گیرد و به اتکاء آمریکا - که بدون مشارکتش در نفت ایران حاضر به «کمک» نخواهد بود - در قرارداد نفت ایران و انگلیس تجدید نظر نماید. در جبهه داخلی، حساب بقائی‌ها این بود که برای تجدید نظر «دنیا پسندانه» در قرارداد نفت، باید جنبش توده‌ای را کوبید و جاده راهوار کرد. بقائی در باره غیر قانونی شدن حزب توده ایران میگفت:

«حزب توده ایران غیر قانونی اعلام شد. باید هم بشود! بروید جنب آقای ساعد پیش اعلیحضرت همایونی شرفیاب شوید و برسید که من چند وقت قبل از این، این نظرها به ایشان داده بودم. تاریخشان را مبین خواهند فرمود!»

... آقایان برای خدا خواهش میکنم موضوع حق آزادی را از حزب توده تفکیک کنید. دستور بدهید تمام توده‌ای‌ها را بکشند، ولی هر کس گفت آزادی، نکوید توده‌ای است.» (۴) ملاحظه میکنید! زیادتش به آسانی میگردد که بگوید همه توده‌ای‌ها را بکشند تا عناصری که خود را به امپریالیسم فروختند و به شهادت تاریخ چیزی جز خیانت به ارث نگذاشتند، آزاد باشند!

در آن زمان فقط بقائی نبود که پیشنهاد تجدید قرارداد بر مبنای «دنیا پسندانه» میداد. اکثریت کسانی که یکسال بعد در رهبری جبهه ملی جا گرفتند، چنین عقیده‌ای داشتند. برای مثال به عقیده رسمی حائری زاده میتوان اشاره کرد که همان زمان پیشنهاد تشکیل «کنسرسیوم بین المللی» را میداد. او در مجلس میگفت: «باید دولت ایران قانونی بگذراند که سهم نفت ایران صدی چهل و نه باشد و یا بیشتر و یک شرکت بین المللی برای استخراج

تمام ثروت تحت الارضی ایران تشکیل شده و هیچ ملتی را بر ملت دیگر رجحان ندهد» (۵).

چنین بود نظر اقلیت مجلس پانزدهم، که بعدها نقش حساسی در جبهه ملی ایفا کرد. در خارج از مجلس نیز این عقیده و این استراتژی هواداران جدی و آشکاری داشت. امر و حتی یک نفر جرات نمیکند که خود را مدافع سیاست آمریکامعریف کند. جاسوسان آمریکا باید ماسک ضد امریکائی بزنند. اما آنروز فضای سیاسی ایران با امروز تفاوت بسیار داشت. نیروهای مدعی ملی بودن و یا حتی قشری از ملیون واقعی، وابستگی به آمریکا را طبیعی و ضروری میدانستند و میخواستند با «کمک» آمریکا بسر دیکتاتوری سرخ و سیاه (۱) پیروز شوند.

زنده یاد دکتر حسین فاطمی، که در جریان نبرد صادقانه ضد امپریالیستی اش تکامل یافت و بسیاری حقایق را درک کرد، آن روزها مینوشت:

«اگر اتا زونی با قدرت بزرگ صنعتی و نظامی که دارد، میتواند مقام شایسته‌ای را بدست بیاورد و تمام نیروی خویش را صرف مبارزه با دیکتاتوری سرخ و سیاه کند، مسلم است افکار عمومی جهان تشنه عدالت و آزادی را بخود جلب خواهد کرد.» (۲)

«از آنطرف آقایانوس اطلس، از کنار مجسمه آزادی و از وطن «ژرژ واشنگتن» و «فرانکلین» این روزها پیام محبت بگوش ما میرسد.

اتا زونی آمریکا که با کمکهای مادی و معنوی گرانقیمت خودش بسیاری از ملتهای جهان را از مرگ و فنا نجات داده و اروپای ویران و گرسنه را از آغوش کمونیسم بیرون کشیده، امروز میسرود که مسئولیت بگوشه مراتب سنگینتری را قبول کند...

«امریکا باید در دهانه آتش فشان ما را یاری کند و فراموش نکند که نقش ایران با فیلیپین و کره در این جنگ و در تاریخ تمدن خیلی تفاوت داشته است. هم چنانکه برعکس تبلیغات رادیوهای خارجی، ما این کمک آمریکارا جز با احساسات بشر دوستی و عواطف عالی انسانی (!) بچیز دیگری تعبیر نمیکنیم.» (۳)

در نوشته‌های باختر امروز حتی از واگذاری «امنیت داخلی» ایران به امریکائیان ابراز خرسندی میشود:

«نطق ترومن و سایر زمامداران آمریکا راجع به لزوم کمک به ایران افکاس زیادی در اوضاع سیاسی ایران داشت. بخصوص اشاره زمامداران آمریکا بکمک نظامی به ایران و ذکر اینکه این کمک باید صرف تقویت ژاندارمری ایران، که مأمور حفظ امنیت داخلی است، بشود، در تهران با توجه مخصوص تلقی گردید... محافل آمریکائی با توجه خاصی ناظر تحولات جدیدی که در مورد نفت ایران رخ میدهد، هستند.» (۴)

در همین زمان، این گروه از روشنفکران ملی - که در آستانه تشکیل جبهه ملی بودند - نظریات بسیار ستایش آمیزی نسبت به شاه و دربار مطرح میکردند، که در حساب استراتژیک آنها جای داشت، اما در قلب مردم ایران و حساب درست نبرد ضد امپریالیستی وضد از تجاعی آن نمیتوانست جایی داشته باشد.

باختر امروز، که همواره نام شاه را با احترام ویژه یاد میکند، از جمله بمناسبت نهمین سال سلطنت او مینویسد:

«امروزه نهمین سال سلطنت اعلیحضرت محمد رشاد شاه پادشاه جوان و رؤف و دمکرات ایران آغاز میشود. شاه جوان در یک موقع حساس و مشکل زمام امور کشور را بدست گرفت و اگر ثبات قدم و مقاومت و پایداری شبانه روزی او نبود، طوفان حوادث، تاریخ و ملیت و استقلال وطن ما را بهم می‌ریخت... عشق زاید الوصف او بود که ایران را از غائله آذربایجان، سخت ترین مهلکه‌های ایران نجات داد.» (۵)

(۱) سخنرانی بقائی در جلسه سه شنبه چهاردهم تیر ماه ۱۳۲۸، نقل از «روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران»، مورخ ۱۵ تیر ماه ۱۳۲۸

(۲) همانجا

(۳) بر این مبنای بود که ترومن رئیس جمهور وقت آمریکا، در ۱۲ مارس ۱۹۴۷، پیامی به کشگره فرستاد و اعلام کرد که انگلستان دیگر قادر به «کمک» به این کشور نیست و آمریکا باید عهده دار این کمک شود. همین پیام است که «دکترین ترومن» نامیده شد و اعلام یورش آمریکا در خاورمیانه بود.

(۴) سخنرانی بقائی در مجلس شورا، نقل از «روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران»، مورخ بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ (تکیه از ماست)

(۵) سخنرانی حائری زاده در مجلس شورا، نقل از «روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران»، مورخ ۴ خرداد ماه ۱۳۲۸ (تکیه از ماست)

(۶) باختر امروز، سال اول، شماره ۴، مورخ ۱۳ تیر ماه ۱۳۲۸ (تکیه از ماست)

(۷) باختر بجای باختر امروز، مورخ ۱۰ مرداد ماه ۱۳۲۸ (تکیه از ماست)

(۸) باختر بجای باختر امروز، مورخ ۱۸ مرداد ۱۳۲۸ (تکیه از ماست)

(۹) باختر بجای باختر امروز، ۲۶ شهریور ۱۳۲۸ (تکیه از ماست)

قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی درنگ لغو شود

طرح پیشنهادی حزب کمونیست عراق برای تشکیل جبهه ملی و دمکراتیک عراق

دعوت از نیروهای ملی وتوده‌های مردم عراق (عرب، کرد و اقلیت‌های ملی)

آن سازمان میدهد.

نقش هر حزب در امر هژمونی (سرکردگی) جبهه، به هیچ شرط از قبول تعیین شده‌ای بستگی ندارد، بلکه این به صحت سیاست هر حزب، حس مسئولیت و فداکاری که از خود نشان میدهد و به قدرت و توانائی آن برای بسیج کردن توده‌ها در مبارزه و اعتمادی که مردم به آن حزب پیدا میکنند، بستگی دارد.

طبیعی است که جبهه برای هر یک از احزاب، استقلال ایدئولوژیک و تشکیلاتی و سیاسی و تبلیغاتی تأمین میکند و حق تبلیغات و مبارزه را برای هر حزبی در جهت اهداف دور و نزدیک آن قائل میگردد. انتقاد مثبت که بر مبنای مسئولیت‌دور بر مردم و مناقع اساسی زحمتکشان باشد، عنصر مهمی در تحکیم و تثبیت این اتحادیه‌هاست. فعالیت مستقل و انتقاد سازنده در چارچوب این اتحادیه‌ها و نحو موثری به تحقق اهداف مشترک تمام جبهه‌ها می‌بخشد.

جبهه بر اساس وظایف و تعهدات زیرین مبارزه میکند، اول - تشکیل دولت ملی و مترقی ائتلافی، که به حقوق مردم و آزادی دمکراتیک معتقد بوده، نماینده تمام نیروها و احزاب سیاسی جبهه است و وظایف زیرین را انجام میدهد.

الف - زدودن تمام مظاهر و آثار سیاست اختناق و ترور و دشمنی با آزادی‌های مردم و حقوق دمکراتیک آنها.

ب - آزادی کلیه زندانیان و بازداشت‌شدگان سیاسی، بسا اجرای عفو عمومی.

ج - بازگشت کلیه اخراج‌شدگان و افرادی که تحت پیگرد سیاسی و ملی قرار داشته‌اند، به سرکار خود، اعم از نظامی و غیر نظامی.

د - لغو تحریم کلیه تنفرنامه‌ها و التزامات و تعهداتی که اشخاص را به زور وادار به عدم فعالیت سیاسی یا شرکت در احزاب می‌کند.

ه - منع بازداشت‌های غیرقانونی و شکنجه بدنی و روانی و سلب تابعیت و توقیف گذرنامه‌ها.

و - لغای کلیه دادگاه‌ها و کمیته‌های فوق‌العاده و کلیه قوانین و موسساتی که آزادیها را محدود می‌سازد.

ز - اشاعه دموکراسی در زندگی جامعه.

ح - آزادی تشکیلات و فعالیت‌های سیاسی برای کلیه احزاب و گروه‌های ملی.

ط - آزادی تشکیلات سندیکائی و صنفی برای اتحادیه‌کارگران، انجمن‌های دهقانان، اتحادیه‌های دانشجویان، جوانان، زنان و معلمان و دیگر سازمانهای صنفی و اجتماعی.

ی - آزادی مطبوعات، انتشارات، میتینگ‌ها، تظاهرات و اعتصابات و آزادی تشکیل احزاب سیاسی.

ک - پایان دادن به روشهای استبدادی.

ل - لغای انحصارطلبی در سلطه سیاسی و ارگانهای دولتی و سازمانهای سیاسی و اجتماعی، لغای بی‌گرائی، لغای سیاست عربی کردن کردها و دیگر اقلیت‌های ملی و محکوم کردن تبلیغات ملی و مذهبی و طایفه‌ای.

م - برچیدن «دوران انتقال» و لغای تمام قوانین و نهادهائی که بر انحصار طلبی دولت صحه می‌گذارد.

ن - گام برداشتن بسوی اوضاع دموکراتیک از طریق تصویب قانون اساسی دموکراتیک برای انتخاب مجلس ملی و موسسان، که قوانین دموکراتیک را بر اساس حق انتخاب عام مستقیم، متساوی و مخفی، با تأمین تمام آزادیهای انتخاباتی برای احزاب ملی و برای رای دهندگان و کاندیداها تأمین میکند.

و - تبدیل ارتش به یک موسسه دموکراتیک که به مین و تمام مردم ایمان داشته، کلیه گرایشهای انحصارطلبانه، نژادی و طایفه‌ای را از بین ببرد و بکار بردن روشهای تبعیض ملی و طایفه‌ای و نظرات سیاسی در مورد پذیرفتن افراد در موسسات نظامی را محکوم کند، معیار کارآیی و مین دوستی را در انتصابات ملاک قرار دهد، کلیه عناصر مین دوست و مومن و صدیق اخراجی را به کار در ارتش بازگرداند، توانائی دفاعی ارتش و پرورش افراد آن را با روحیه دشمنی علیه امپریالیسم و عسلیه صهیونیسم و ارتجاع در نظر داشته باشد. شهربانی و سازمان امنیت باید به موسسات دموکراتیک بدل شوند که از آزادیهای مردم و حیثیت آنها و از امنیت کشور پاسداری می‌کنند.

ز - حل مسئله کرد از طریق احترام به خلق کرد در عراق و حق وی به خودمختاری واقعی در کلیه مناطق اداری، که دارای اکثریت کرداند و محو کلیه آثار ستم ملی و عربی کردن تحمیلی و کوچ‌گری اجباری بر اساس.

ح - اعلان قانون جدید دموکراتیک برای خودمختاری، که نواقص قوانین خودمختاری کنونی را در نظر بگیرد، بر اساس تأمین شرایطی که در آن خلق کرد امور خود را از طریق انتخاباتی مستقیم و مقننه و اجرائی اداره کند.

ط - برقراری برابری بین عرب و کرد و اقلیت‌های ملی و تأمین نمایندگی عادلانه در هیئت دولت مرکزی.

ی - تأمین حق خلق کرد و اقلیت‌های ملی در آموزش به زبان ملی خود.

ک - برنامه‌ریزی برای رشد سریع کردستان و غلبه کردن بر تمام مظاهر عقب‌ماندگی و آثار جنگ‌های تجاوزکارانه و سیاست تبعیض بر ضد خلق کرد.

ل - اهمیت دادن به تحکیم برادری بین عرب و کرد از طریق مبارزه با کلیه مفاهم و گرایشهای شوینیستی و همچنین کلیه مفاهم

ناسیونالیستی و مبارزه ایدئولوژیک جهت برقراری برادری و وحدت میهنی بین عرب و کرد و اقلیت‌های ملی و نبرد مشترک آنها بر علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع.

ب - تأمین برخورداری اقلیت‌های ملی از حقوق فرهنگی و پیاده کردن آن قوانینی که متضمن این حقوق باشد.

ج - سبب دنبال کردن سیاست اقتصادی مترقی، که بر مبنای زیرین استوار است.

د - برنامه‌ریزی اقتصادی علمی در جهت دفاع و حمایت از دستاوردهائی که بسود توده‌های کارگران و دهقانان و دیگر اقشار مردم کسب شود و گسترش آنها، تأمین استفاده از درآمدهای ملی و مخصوص درآمدهای نفتی جهت برقراری یک اقتصاد ملی مستقل و متعادل، بنحوی که به وابستگی کشور به درآمدهای نفتی پایان دهد و پیوند با بازار سرمایه‌داری جهانی را، که ناسامانیهای آن بر اقتصاد کشور اثر می‌گذارد، کاهش دهد.

ه - اتخاذ سیاست مبتنی بر رشد کلیه بخشهای اقتصادی اعم از کشاورزی و صنعتی و بازرگانی و خدمات بنفع توده‌های وسیع مردم.

و - تأمین شرایط مساوی کار برای کلیه کسانی که قادر بکار هستند، تأمین شرایط کار بطور وسیع برای توده‌های زنان، محدود کردن نقش بخشی خصوصی و بخش مختلط (دولتی - خصوصی) در راه تأمین رشد اقتصادی کشور، تحکیم نقش رهبری و سرکردگی بخش دولتی در اقتصاد جهت تأمین شالوده اقتصادی محکم و رشد یافته‌ای که بتواند اساس مادی گذار کشور را، بساختمان سوسیالیسم فراهم آورد.

ز - اتخاذ سیاست درست مالی بر مبنای پیشگیری از هدر رفتن درآمدهای ملی و تبذیر آن و سمت دادن کلیه درآمدهای مالی بطور عمده بسوی موسسات تولیدی، توزیع عادلانه درآمدها، بنحوی که فاصله عمیق بین درآمدها کاسته شود و افزایش هزینه زندگی و گرانی و بحران مسکن و وسایل نقلیه و کمبود مواد ضروری را محدود نماید.

ح - مشارکت فعال در نبرد ملت عرب بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم.

ط - مبارزه فعالانه برای درهم شکستن نقشه‌های خطرناک، که نمونه آن قرارداد کمپ دیوید است، درهم شکستن پیمان تجاوزکارانه که بوسیله امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و دارو دسته سادات خائن ترتیب داده شده است، با تکیه بر نیروی خلاق توده‌های مردم و آزاد کردن اراضی آنها.

ی - پشتیبانی از مبارزه عادلانه خلق عرب فلسطین، به رهبری سازمان - آزادیبخش فلسطین، که تنها نماینده قانونی خلق عرب فلسطین است، برای بازگشت به سرزمین خود و حق تعیین سرنوشت خویش و استقرار دولت ملی مستقل.

ک - مشارکت مجدانه در جبهه پایداری و مقاومت، پشتیبانی از مبارزه توده‌های عرب بر ضد رژیم‌های مرتجع و وحدت بخشیدن به این مبارزه در چارچوب جبهه ملی عرب، که کلیه نیروهای آزادی - بخش عرب در آن شرکت دارند.

ل - کوشش مجدانه در راه وحدت عرب بر اساس ضد امپریالیستی و دموکراتیک، تحکیم نزدیکی بین عراق و سوریه و اعلام مشترک ملی (در باره وحدت سوریه و عراق) تارسیدن به وحدت بین دو کشور.

م - اتخاذ سیاست خارجی که بسااثل میهنی و ملی خدمت کند، تحکیم صلح جهانی و مشارکت در تحکیم تشنج زدائی، تحکیم و رشد جنبش عدم تعهد بر اساس مبارزه با امپریالیسم و پیمانهای تجاوزکارانه نظامی، تحکیم مناسبات و همبستگی بسا کشورهای سوسیالیستی و بخصوص اتحاد جماهیر شوروی و رشد این مناسبات تارسیدن به یک هم پیمانی استراتژیک حقیقی، زیرا این یکی از ضمانتهای اساسی پیروزی مبارزه عادلانه ما بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم، برای سیر کشورها در راه پیشرفت و رفاه است.

ن - کوشش مجدانه در راه وحدت عرب بر اساس ضد امپریالیستی و دموکراتیک، تحکیم نزدیکی بین عراق و سوریه و اعلام مشترک ملی (در باره وحدت سوریه و عراق) تارسیدن به وحدت بین دو کشور.

و - اتخاذ سیاست خارجی که بسااثل میهنی و ملی خدمت کند، تحکیم صلح جهانی و مشارکت در تحکیم تشنج زدائی، تحکیم و رشد جنبش عدم تعهد بر اساس مبارزه با امپریالیسم و پیمانهای تجاوزکارانه نظامی، تحکیم مناسبات و همبستگی بسا کشورهای سوسیالیستی و بخصوص اتحاد جماهیر شوروی و رشد این مناسبات تارسیدن به یک هم پیمانی استراتژیک حقیقی، زیرا این یکی از ضمانتهای اساسی پیروزی مبارزه عادلانه ما بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم، برای سیر کشورها در راه پیشرفت و رفاه است.

ز - کوشش مجدانه در راه وحدت عرب بر اساس ضد امپریالیستی و دموکراتیک، تحکیم نزدیکی بین عراق و سوریه و اعلام مشترک ملی (در باره وحدت سوریه و عراق) تارسیدن به وحدت بین دو کشور.

ح - اتخاذ سیاست خارجی که بسااثل میهنی و ملی خدمت کند، تحکیم صلح جهانی و مشارکت در تحکیم تشنج زدائی، تحکیم و رشد جنبش عدم تعهد بر اساس مبارزه با امپریالیسم و پیمانهای تجاوزکارانه نظامی، تحکیم مناسبات و همبستگی بسا کشورهای سوسیالیستی و بخصوص اتحاد جماهیر شوروی و رشد این مناسبات تارسیدن به یک هم پیمانی استراتژیک حقیقی، زیرا این یکی از ضمانتهای اساسی پیروزی مبارزه عادلانه ما بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم، برای سیر کشورها در راه پیشرفت و رفاه است.

ط - کوشش مجدانه در راه وحدت عرب بر اساس ضد امپریالیستی و دموکراتیک، تحکیم نزدیکی بین عراق و سوریه و اعلام مشترک ملی (در باره وحدت سوریه و عراق) تارسیدن به وحدت بین دو کشور.

ی - اتخاذ سیاست خارجی که بسااثل میهنی و ملی خدمت کند، تحکیم صلح جهانی و مشارکت در تحکیم تشنج زدائی، تحکیم و رشد جنبش عدم تعهد بر اساس مبارزه با امپریالیسم و پیمانهای تجاوزکارانه نظامی، تحکیم مناسبات و همبستگی بسا کشورهای سوسیالیستی و بخصوص اتحاد جماهیر شوروی و رشد این مناسبات تارسیدن به یک هم پیمانی استراتژیک حقیقی، زیرا این یکی از ضمانتهای اساسی پیروزی مبارزه عادلانه ما بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم، برای سیر کشورها در راه پیشرفت و رفاه است.

ک - کوشش مجدانه در راه وحدت عرب بر اساس ضد امپریالیستی و دموکراتیک، تحکیم نزدیکی بین عراق و سوریه و اعلام مشترک ملی (در باره وحدت سوریه و عراق) تارسیدن به وحدت بین دو کشور.

ل - اتخاذ سیاست خارجی که بسااثل میهنی و ملی خدمت کند، تحکیم صلح جهانی و مشارکت در تحکیم تشنج زدائی، تحکیم و رشد جنبش عدم تعهد بر اساس مبارزه با امپریالیسم و پیمانهای تجاوزکارانه نظامی، تحکیم مناسبات و همبستگی بسا کشورهای سوسیالیستی و بخصوص اتحاد جماهیر شوروی و رشد این مناسبات تارسیدن به یک هم پیمانی استراتژیک حقیقی، زیرا این یکی از ضمانتهای اساسی پیروزی مبارزه عادلانه ما بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم، برای سیر کشورها در راه پیشرفت و رفاه است.

م - کوشش مجدانه در راه وحدت عرب بر اساس ضد امپریالیستی و دموکراتیک، تحکیم نزدیکی بین عراق و سوریه و اعلام مشترک ملی (در باره وحدت سوریه و عراق) تارسیدن به وحدت بین دو کشور.

ن - اتخاذ سیاست خارجی که بسااثل میهنی و ملی خدمت کند، تحکیم صلح جهانی و مشارکت در تحکیم تشنج زدائی، تحکیم و رشد جنبش عدم تعهد بر اساس مبارزه با امپریالیسم و پیمانهای تجاوزکارانه نظامی، تحکیم مناسبات و همبستگی بسا کشورهای سوسیالیستی و بخصوص اتحاد جماهیر شوروی و رشد این مناسبات تارسیدن به یک هم پیمانی استراتژیک حقیقی، زیرا این یکی از ضمانتهای اساسی پیروزی مبارزه عادلانه ما بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم، برای سیر کشورها در راه پیشرفت و رفاه است.

و - کوشش مجدانه در راه وحدت عرب بر اساس ضد امپریالیستی و دموکراتیک، تحکیم نزدیکی بین عراق و سوریه و اعلام مشترک ملی (در باره وحدت سوریه و عراق) تارسیدن به وحدت بین دو کشور.

ز - اتخاذ سیاست خارجی که بسااثل میهنی و ملی خدمت کند، تحکیم صلح جهانی و مشارکت در تحکیم تشنج زدائی، تحکیم و رشد جنبش عدم تعهد بر اساس مبارزه با امپریالیسم و پیمانهای تجاوزکارانه نظامی، تحکیم مناسبات و همبستگی بسا کشورهای سوسیالیستی و بخصوص اتحاد جماهیر شوروی و رشد این مناسبات تارسیدن به یک هم پیمانی استراتژیک حقیقی، زیرا این یکی از ضمانتهای اساسی پیروزی مبارزه عادلانه ما بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم، برای سیر کشورها در راه پیشرفت و رفاه است.

ح - کوشش مجدانه در راه وحدت عرب بر اساس ضد امپریالیستی و دموکراتیک، تحکیم نزدیکی بین عراق و سوریه و اعلام مشترک ملی (در باره وحدت سوریه و عراق) تارسیدن به وحدت بین دو کشور.

ط - اتخاذ سیاست خارجی که بسااثل میهنی و ملی خدمت کند، تحکیم صلح جهانی و مشارکت در تحکیم تشنج زدائی، تحکیم و رشد جنبش عدم تعهد بر اساس مبارزه با امپریالیسم و پیمانهای تجاوزکارانه نظامی، تحکیم مناسبات و همبستگی بسا کشورهای سوسیالیستی و بخصوص اتحاد جماهیر شوروی و رشد این مناسبات تارسیدن به یک هم پیمانی استراتژیک حقیقی، زیرا این یکی از ضمانتهای اساسی پیروزی مبارزه عادلانه ما بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم، برای سیر کشورها در راه پیشرفت و رفاه است.

ی - کوشش مجدانه در راه وحدت عرب بر اساس ضد امپریالیستی و دموکراتیک، تحکیم نزدیکی بین عراق و سوریه و اعلام مشترک ملی (در باره وحدت سوریه و عراق) تارسیدن به وحدت بین دو کشور.

ک - اتخاذ سیاست خارجی که بسااثل میهنی و ملی خدمت کند، تحکیم صلح جهانی و مشارکت در تحکیم تشنج زدائی، تحکیم و رشد جنبش عدم تعهد بر اساس مبارزه با امپریالیسم و پیمانهای تجاوزکارانه نظامی، تحکیم مناسبات و همبستگی بسا کشورهای سوسیالیستی و بخصوص اتحاد جماهیر شوروی و رشد این مناسبات تارسیدن به یک هم پیمانی استراتژیک حقیقی، زیرا این یکی از ضمانتهای اساسی پیروزی مبارزه عادلانه ما بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم، برای سیر کشورها در راه پیشرفت و رفاه است.

ل - کوشش مجدانه در راه وحدت عرب بر اساس ضد امپریالیستی و دموکراتیک، تحکیم نزدیکی بین عراق و سوریه و اعلام مشترک ملی (در باره وحدت سوریه و عراق) تارسیدن به وحدت بین دو کشور.

م - اتخاذ سیاست خارجی که بسااثل میهنی و ملی خدمت کند، تحکیم صلح جهانی و مشارکت در تحکیم تشنج زدائی، تحکیم و رشد جنبش عدم تعهد بر اساس مبارزه با امپریالیسم و پیمانهای تجاوزکارانه نظامی، تحکیم مناسبات و همبستگی بسا کشورهای سوسیالیستی و بخصوص اتحاد جماهیر شوروی و رشد این مناسبات تارسیدن به یک هم پیمانی استراتژیک حقیقی، زیرا این یکی از ضمانتهای اساسی پیروزی مبارزه عادلانه ما بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم، برای سیر کشورها در راه پیشرفت و رفاه است.

ن - کوشش مجدانه در راه وحدت عرب بر اساس ضد امپریالیستی و دموکراتیک، تحکیم نزدیکی بین عراق و سوریه و اعلام مشترک ملی (در باره وحدت سوریه و عراق) تارسیدن به وحدت بین دو کشور.

و - اتخاذ سیاست خارجی که بسااثل میهنی و ملی خدمت کند، تحکیم صلح جهانی و مشارکت در تحکیم تشنج زدائی، تحکیم و رشد جنبش عدم تعهد بر اساس مبارزه با امپریالیسم و پیمانهای تجاوزکارانه نظامی، تحکیم مناسبات و همبستگی بسا کشورهای سوسیالیستی و بخصوص اتحاد جماهیر شوروی و رشد این مناسبات تارسیدن به یک هم پیمانی استراتژیک حقیقی، زیرا این یکی از ضمانتهای اساسی پیروزی مبارزه عادلانه ما بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم، برای سیر کشورها در راه پیشرفت و رفاه است.

ز - کوشش مجدانه در راه وحدت عرب بر اساس ضد امپریالیستی و دموکراتیک، تحکیم نزدیکی بین عراق و سوریه و اعلام مشترک ملی (در باره وحدت سوریه و عراق) تارسیدن به وحدت بین دو کشور.

ح - اتخاذ سیاست خارجی که بسااثل میهنی و ملی خدمت کند، تحکیم صلح جهانی و مشارکت در تحکیم تشنج زدائی، تحکیم و رشد جنبش عدم تعهد بر اساس مبارزه با امپریالیسم و پیمانهای تجاوزکارانه نظامی، تحکیم مناسبات و همبستگی بسا کشورهای سوسیالیستی و بخصوص اتحاد جماهیر شوروی و رشد این مناسبات تارسیدن به یک هم پیمانی استراتژیک حقیقی، زیرا این یکی از ضمانتهای اساسی پیروزی مبارزه عادلانه ما بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم، برای سیر کشورها در راه پیشرفت و رفاه است.

ط - کوشش مجدانه در راه وحدت عرب بر اساس ضد امپریالیستی و دموکراتیک، تحکیم نزدیکی بین عراق و سوریه و اعلام مشترک ملی (در باره وحدت سوریه و عراق) تارسیدن به وحدت بین دو کشور.

ی - اتخاذ سیاست خارجی که بسااثل میهنی و ملی خدمت کند، تحکیم صلح جهانی و مشارکت در تحکیم تشنج زدائی، تحکیم و رشد جنبش عدم تعهد بر اساس مبارزه با امپریالیسم و پیمانهای تجاوزکارانه نظامی، تحکیم مناسبات و همبستگی بسا کشورهای سوسیالیستی و بخصوص اتحاد جماهیر شوروی و رشد این مناسبات تارسیدن به یک هم پیمانی استراتژیک حقیقی، زیرا این یکی از ضمانتهای اساسی پیروزی مبارزه عادلانه ما بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم، برای سیر کشورها در راه پیشرفت و رفاه است.

ک - کوشش مجدانه در راه وحدت عرب بر اساس ضد امپریالیستی و دموکراتیک، تحکیم نزدیکی بین عراق و سوریه و اعلام مشترک ملی (در باره وحدت سوریه و عراق) تارسیدن به وحدت بین دو کشور.

ل - اتخاذ سیاست خارجی که بسااثل میهنی و ملی خدمت کند، تحکیم صلح جهانی و مشارکت در تحکیم تشنج زدائی، تحکیم و رشد جنبش عدم تعهد بر اساس مبارزه با امپریالیسم و پیمانهای تجاوزکارانه نظامی، تحکیم مناسبات و همبستگی بسا کشورهای سوسیالیستی و بخصوص اتحاد جماهیر شوروی و رشد این مناسبات تارسیدن به یک هم پیمانی استراتژیک حقیقی، زیرا این یکی از ضمانتهای اساسی پیروزی مبارزه عادلانه ما بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم، برای سیر کشورها در راه پیشرفت و رفاه است.

م - کوشش مجدانه در راه وحدت عرب بر اساس ضد امپریالیستی و دموکراتیک، تحکیم نزدیکی بین عراق و سوریه و اعلام مشترک ملی (در باره وحدت سوریه و عراق) تارسیدن به وحدت بین دو کشور.

ن - اتخاذ سیاست خارجی که بسااثل میهنی و ملی خدمت کند، تحکیم صلح جهانی و مشارکت در تحکیم تشنج زدائی، تحکیم و رشد جنبش عدم تعهد بر اساس مبارزه با امپریالیسم و پیمانهای تجاوزکارانه نظامی، تحکیم مناسبات و همبستگی بسا کشورهای سوسیالیستی و بخصوص اتحاد جماهیر شوروی و رشد این مناسبات تارسیدن به یک هم پیمانی استراتژیک حقیقی، زیرا این یکی از ضمانتهای اساسی پیروزی مبارزه عادلانه ما بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم، برای سیر کشورها در راه پیشرفت و رفاه است.

مفسر رادیو اصطلاح «سوسیال امپریالیزم» را کشف کرده است!

معدودی از مفسرین رادیو، گردانندگان و استخدام کنندگان در هفته‌های اخیر، ناگهان اصطلاح جدیدی را «کشف» کرده‌اند. این اصطلاح، که برای بسیاری از دست‌اندرکاران سیاست روز جهان ناآشنا نیست، «سوسیال امپریالیزم شوروی» است. کشف این اصطلاح، نزدیکیترین متحد روز امپریالیزم امریکا، یعنی مائوئیستهای چین هستند، که از سوی تمام دنیا به رو-هایشان، از جمله مائوئیستهای ایران بی‌وقفه بکار میرود و هدف از آن خنده‌دار کردن چهره واقعی - ترین متحد جهانی انقلابی - مائوئیستهای جهان و از جمله اینان است. و این سیاست طبعیتاً مورد پشتیبانی امپریالیسم امریکا است. چنانچه در ایران هم هست. این واقعیت را مفسرین میدانند. مفسرین و مفسرین رادیو هم باید «کشف» کرده‌اند، باید از



یکی از دوستان گرامی ما بنام مجید، در نامه خود چنین مینویسد:

«باز آقای مهدی بازرگان بسبب سی سال پیش در مورد توده نفتی مطالبی عنوان کرد. تقسیم بندی ایشان از تیزم احیم و دشمنان انقلاب، غیر علمی ترین تقسیم بندی ممکن است. بعلاوه ناسیاسی ایشان را از حزبی که سالیان دراز با هر نوع ظلمی مبارزه کرده است، میروساند. جا دارد در پاسخ بایشان فتوکپی یا رونویس مقالات متعددی را که روزنامه مردم در حمایت از «نهضت آزادی» و شخص ایشان منتشر کرده است، برایشان بفرستید. شاید منتهی به تغییر نظریه خلاف ایشان گردد و نشان دهد که حزب توده ایران از اصول مناقشه میکند و یک حزب غیر اصولی نیست. من که خود دوره های گذشته «مردم» را با دشواری جمع آوری کرده و نگاه داشته ام، دیروز که بخاطر مطلب دیگری آنها را ورق میزد، به مقاله های زیر برخوردی که عنوانش را مینویسم:

- ۱- مقاله «زندانیان نهضت آزادی ایران را آزاد کنید.» شماره ۶۹ مورخ ۴۲/۸/۱۵، روزنامه مردم؛
 - ۲- مقاله «جنبش همبستگی برای آزادی رهبران نهضت آزادی ایران گسترش می یابد.» شماره ۷۰، مورخ ۴۲/۹/۱، روزنامه مردم؛
 - ۳- مقاله «سران نهضت آزادی ایران باید آزاد شوند.» شماره ۷۲، مورخ ۴۲/۱۰/۱، روزنامه مردم؛
 - ۴- مقاله «محکومیت رهبران جمعیت نهضت آزادی ایران را محکوم میکنیم.» شماره ۷۵، مورخ ۴۲/۱۱/۱۵، روزنامه مردم.
- پیشنهاد میکنم اینکار را بکنید تا ایشان ببینند و بدانند اگر حزب توده ایران در مقام انتقاد سازنده از اعمال دولت ایشان است، صرفاً مصالح کشور را در نظر دارد، همانطور که در نوشتن مقاله های فوق همین مصالح را در نظر داشت.
- با تشکر از دوست گرامی مجید، میتوان گفت که همین زحمتی که ایشان کشیده و عنوان مقالات را فرستاده اند، کاملاً کافی است. زیرا هر کس جوینا باشد، میتواند آنها را پیدا کند و این نامه با این همه مثال مشخص، گویای واقعیت است. منتهی لازم است که خواستار دیدن واقعیت هم بود و چشم بر حقیقت نیست.
- حسین. ۵. در نامه خود به اوضاع کردستان نظر دارد. وی منجمه مینویسد:

«نظری به آنچه در کردستان میگذرد، برای هر مینویسند و واقفان تأسف آور است. از طرفی غفلت مسئولان دولت نسبت به عواقب سهل انگاری در حل مسائل ریشه های در آن استان، و از طرف دیگر تحریکات و شرکت برخی فئودالزادگان خیالپرست یا جاه طلب در یک توطئه تضعیف رهبری انقلاب، بعنوان طرفداران «خلق کرده» یا با تصورات مائوئیستی ایجاد پایگاه دهقانی!

اولاً اگر کسی مطبوعات دوسه سال اخیر، مخصوصاً اواخر ۵۷ را ورق بزند، می بیند که بلااستثناء در سراسر ایران، برخورد بین زارع و مالک هست، که ناشی از «اصلاحات نیم بند» شاه سابق است، بخصوص که در مناطقی مانند آذربایجان غربی و کردستان همان اصلاحات نیم بند هم انجام نشده بود و شاه سابق بنوعی باج به فئودالهای شمال غربی و غرب کشور داد.

حالا دولت باید باین قدم قاطع زمین را بلاعوض به کسانی واگذار کند که روی آن کشت میکنند. مسائل رفاهی در لحظه فعلی انگیزه قیام نیست تا بقول آیتاله لاهوتی، دادن پول به منطقه کردستان جنبه ضد انگیزه داشته باشد، مساله فوری زمین است. ثانیاً به جوانان پر شور بنام «انقلابی» یا جوینا نام، که خود را «مارکسیست لنینیست» میدانند، باید گفت که در جامعه فعلی ایران، نمیتوان گول «فئودالهای مترقی» را خورد و باید به طبقه کارگر و زحمتکشان تکیه کرد.

اما سر نخ قضیه بجای دیگر هم بند است. روایت میکنند که اردشیر زاهدی و یالیزبان در ترکیه و عراق نشسته اند و کلاشینکوف غارتی اسرائیل از ارتش مصر را با ضافه پول و طرحت بداخله ایران میفرستند. پرواضح است که «طرفداران خلق» فعلاً کاربرد توپخانه و بازو کاکوشک انداز را بلد نیستند. این گاردیهای فراری هستند که در کوهها «پایگاه دهقانی» برقرار کرده اند و شوخ ساواکی را که تا بحال با پول «اوقاف و نخست وزیری» اداره میشدند، در نقشی عوامفریبانه در برابر امام خمینی علم کرده اند. مسلماً جوانان عزیز کرد عمق توطئه را درمی یابند.

آقای باباخانی نامه خود را به دادگاه انقلاب اسلامی ایران، جهت اطلاع و درج برای «مردم» فرستاده است. وی منجمه چنین مینویسد: «مجترباً اینچنان مرتضی باباخانی، در مردادماه ۱۳۴۹، بوسیله سروان شفیی و امیر تیموری رئیس و معاون سازمان اطلاعات و امنیت» قهر شهزین، در منزل خود، به اتهامی که از پایه و اساس کذب محض بوده، دستگیر و به ساواک کرمانشاه و سپس به تهران اعزام شد و پس از ماهها زجر و شکنجه توسط مأمورین ساواک منجمه در اوین، در به اصطلاح دادرسی ارتش مرا به اعدام سپس حبس ابد محکوم کردند. پس از هفت سال و چند ماه حبس در زندانهای اوین، قس و مشهد، در اثر مبارزات پیگیر ملت قهرمان ایران و رهبری قاطع آیتاله خمینی، رژیم گذشته مجبور به آزادی گروهی از زندانیان سیاسی شده و من بدین ترتیب بادست پر توان خلق قهرمان ایران از

پیام فیدل کاسترو به امام خمینی به مناسبت استقرار روابط سیاسی بین ایران و کوبا

فیدل کاسترو، رئیس شورای دولتی و نخست وزیر کوبا بمناسبت استقرار روابط سیاسی بین ایران و کوبا تلگرامی برای امام خمینی فرستاده است. خبرگزاری پارس متن این تلگرام را به این صورت منتشر کرده است:

«آیتالله العظمی امام خمینی احتراماً اجازه میخواید به نام ملت و دولت جمهوری کوبا عمیق ترین مسرت خاطر خود را بمناسبت استقرار مجدد روابط سیاسی بین دو کشور اعلام دارم. مطمئناً این کارحاکمی از استقلال و حاکمیت ایران است که ره آورد انقلاب میباشد و بروابط دوستانه و برادرانه بین دو ملت که مبارزه سختی را علیه امپریالیسم - استعمار - استعمار نو - صهیونیسم و آپارتاید در پیش گرفته اند کمک کرده و آنرا استوارتر میسازد. موقع را برای تأیید هیئت اعزامی شما به ششمین کنفرانس کشورهای غیر متعهد معتمد می شمارد.

با تقدیم عالیترین احترامات
فیدل کاسترو - رئیس شورای دولتی و نخست وزیر کوبا،

عناصر مشکوک و مائوئیستها به اسم توده ای ها خرابکاری میکنند!

چندی پیش خبری در «مردم» درج شد، مبنی بر اینکه عناصر مشکوک، بنام توده ای، دهقانان را به سوزاندن خرمن ها تهدید میکنند. خبر زیر نشان میدهد که این توطئه سازمان یافته است و در نقاط مختلف کشور انجام میگردد.

هفته پیش، ۳ جوان شیک پوش را در کردستان دستگیر کردند. آنها باینکه اتومبیل شیک به یکی از روستاهای این استان رفتند و به روستائیان نشان دادند که قصد دارند خرمن ها را آتش بزنند و در دم خرابکاری کنند. روستائیان بلافاصله دست بکار شدند و با کمک مامورین، ۳ جوان شیک پوش را دستگیر کردند و سرگرم بازجویی از آنها شدند. جوانها خیلی خونسرد به بازجویی جواب دادند و گفتند: «ما برای آتش زدن خرمن ها و خرابکاری در ده به اینجا آمده ایم.» مامورین که از این اعتراف صریح تعجب کرده بودند، از آنها پرسیدند، از طرف چه کسی این ماموریت را دارند؟ جوانها هم

زندان آزاد گردیدیم.

از دادستان محترم کل انقلاب اسلامی ایران تقاضا دارم نسبت به شکایت اینجانب رسیدگی فوری نموده و سروان شفیی و امیر تیموری و سایر مأمورین، که در پرونده مبارزی، شکنجه و آزار و محکوم کردن اینجانب دخالت داشته اند، احضار و بر این قانون عدل اسلامی محاکمه و بسزای اعمال جنایتکارانه شان برسانند. پرونده امر در ساواک منجمه قهر شهزین - تهران و به اصطلاح در دادرسی ارتش رای شماره ۵۱۸-۱۷/۱۷-۱۳۵۰/۷ دادگاه تجدیدنظر شماره ۱ تهران موجود است.

ع.م.ت. خواننده عزیز، همراه نامه خود درج کوچکی را که با ماشین تحریر تایپ شده و بختیار خاخر را «رهبر واقعی ملت ایران» و «نماینده سوسیال دموکراسی» خوانده، برای «مردم» فرستاده و چنین مینویسد:

«چهارشنبه ۱۰ مرداد ماه ۱۳۵۸، به یکی از دوستان، در نزدیکی کانون وکلای دادگستری برخورد. اطلاع داد صحیح که از خانه بیرون آمده و سراغ اتومبیلش رفته است، یک پلاک مخصوص چسبانده به شیشه اتومبیل می بیند، که روی شیشه اتومبیل الصاق شده در حمایت از «شاهپور بختیار»، این مهره کثیف و مزدور امپریالیسم با امضای گروهی بنام «گروه سدا»، در محل کوچه نمک، خیابان مبارزان (روزولت سابق)، نیز روی اتومبیلها چنین ورقهای را الصاق کرده بودند. بادوستم به خانه اش رفتم و پلاک مزبور را، که در خانه اش گذاشته بود، گرفتم و به ضمیمه این نامه ارسال میدارم، که خود افشاگر یکی از انواع توطئه های ضد انقلاب و بقایای رژیم منفور سابق است، که توسط «سیا» و دیگر سازمانهای جاسوسی سازمان داده شده. متأسفانه سیاست ماشاات و بی تفاوتی مقامات دولتی در مقابل باضد انقلاب، خطر روزافزون ناشی از فعالیت «ضد انقلاب» را توسعه داده است، بطوریکه ادامه این روند کنونی عواقب سیاه و تاریکی خواهد داشت. تنها یاقشاری بر روی تشکیل «جبهه متحد خلق» و اخذ نتیجه مثبتی از این یاقشاری، مقابله با «ضد انقلاب» امکان پذیر است.»

م.ج. بریده دوروزنامه را در باره مسکن و کرایه خانه فتوکپی کرده و برای «مردم» فرستاده و در نامه خود مینویسد: «دوستور متناقض برای «کاهش» کرایه خانه و پرداخت «مرتب و کامل» اجاره بهای ساختمانهای استیجاری به فاصله ۲۴ ساعت از نخست وزیری صادر شده است. اجحاف و فشار به قشر مستضعفین ادامه دارد.

بقیه از صفحه ۱ اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت سالگرد جنایت سینما رکس آبادان

و در راس آنها امپریالیست های جهان بخوار آمریکائی که تازه لباس خنده و فریب «حقوق بشر» را به تن کرده بودند، فقط برای یک مقصود کوره آدم سوزی سینما رکس را برپا کردند، آنها بیش از هزار نفر، از مردم ستم دیده ایران را به ذغال میل کردند تا با انداختن مسئولیت این فاجعه جنسایتکارانه بدوش مبارزان ضد امپریالیسم، و ضد رژیم شاه مخلوع، بین صفوف متحد خلق فتنه بیاورند.

سال پیش در چنین روزی، صف میلیونی تودها، مشت واحدی شده بود که در کار فروپاشی نظام سلطنتی وابسته بود. تهاره نجات رژیم جنایتکار شاه مخلوع جدا کردن صفوف مردم بود، برای رسیدن به چنین هدفی، نقشه آتش زدن سینما رکس اجرا شد و بلافاصله، دست در همان هنگام که بلندگوهای رژیم قصد بهره برداری از آن را داشتند، صدای ضجه زنانه که شوهرانشان در آتش ذغال شده بودند و بانگ گریه مادران فرزند از دست داده، از فضای طوفانی ایران گذر کرد و به خشم و سرود تبدیل شد. خمشی که صفها را متحدتر میکرد و سرودی که پیروزی را نوید میداد.

نیروهای خلقی، از جمله حزب توده ایران، در نشریه نوید این جنایت شاه مخلوع را فاش کردند و مردم را به اتحاد عمل بیشتر خواندند. اتحاد عمل نیروها، آنچنانکه تجربه تاریخ بارها و بارها به اثبات رسانده، بسیار زود ثمر داد و چند ماه بعد رژیم ضد خلقی را سرگون کرد.

هموطنان! اکنون، یک سال بعد از جنایت سینما رکس آبادان، ما در ایران آزاد با شماسخن میگوئیم، ایرانی که سلطنت را به خاک سپرد و رژیم آدمکش شاه مخلوع را سرنگون کرد، اما هنوز با خطر روبرو است. یک لحظه هم این خطر را نباید فراموش کرد. این خطر امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم امریکاست. که تا وقتی کاملاً از ایران ریشه کن نشده همواره ایران را تهدید میکند.

هموطنان! اکنون، امپریالیسم با تمام قوا فعالیت دارد. لذا هنوز هم، مانند یک سال پیش، اتحاد نیروها تهاره مقابله با امپریالیسم و نابودی آن است. امپریالیسم میکوشد با انواع حیلها و جنایات و حتی جنایاتی موهبتی تراز سینما رکس آبادان، نیروها را بهم بدین کند و بین آنها تفرقه بیاورد. تهاره مقابله با این نقشه شیطانی اتحاد همه نیروها در جبهه متحد خلق است. در روزی که یاد شهیدان سینما رکس را گرامی میداریم، در حالیکه تاسف عمیق خود را از اینکه مسیبان این فاجعه هنوز دستگیر نشده و به مجازات نرسیده اند، ابراز میداریم و خواهان پی گیری پرونده این جنایت فیصیح و مجازات عاملان آن هستیم. در حالیکه در اندوه بازماندگان این قربانیان بیگناه رژیم آدمکش شاه مخلوع شریکیم، در برابر آن گروه عظیم زبون مرد و پیرو جوان و کودک، که در آتشی که امپریالیسم بر افروخته بود، سوختند، پیمان میبندیم که با وحدت نیروها در جبهه متحد خلق، تا نابودی امپریالیسم نبرد را ادامه دهیم و از پای نمانیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۵۸۰۵۲۶

هزاران خانه خالی در سطح کشور بملت فرار سران و اطرافیان رژیم طاغوتی و خارجیان خالی شده است.

طبق آمار انتشار یافته از طرف شهرداری، در سال گذشته چندین هزار خانه خالی وجود داشت. مضافاً به اینکه در شهرک اکباتان و فرزاناد و نقاط دیگر تهران و شهرستانها خانه های متعددی اخیراً احداث شده، که بلااستفاده مانده اند.

آیا این همه خانه های خالی برای چپاولگران، سرمایه داران وابسته، فراریان طاغوتی نگهداری میشود؟ استدلال دولت در این مورد چیست؟ استفاده مستضعفین از خانه های خالی که دیگر نقد زدن نیست و صبر انقلابی نمی خواهد. عکس آن ضد انقلابی و چوب گذاشتن لای چرخ انقلاب است، ناراضی تراشی، آب ریختن به آسیاب ضد انقلاب است. لازم به یاد آوری است که در رژیم گذشته یکی از علل اساسی ناراضی توده ها مشکل بزرگ مسکن بود که این ناراضی با صدور دستورهای ضد و نقیض بدرجه حد رسیده است و با هو شهاری که مردم امروز دارند، خالی ماندن این همه خانه های خالی در سطح کشور برای هیچ کس قابل هضم نیست.

باز هم اشعار زیادی بدفتر «مردم» رسیده است که همه در یک سطح نیستند و مسائل مختلفی را در نظر دارند. پاشاکی در شعر خود «پاکترین حزب»، منجمه میگوید که «آفتاب هیچ زمان زیر سیاهی دهشتناک نخواهد بودن». باز هم درباره حزب توده ایران نوراله ق. شعر بلند و پر مضمونی فرستاده و در آن حزب طبقه کارگر را که «با اندازه آهنین، با گام استوار / خسته ناپذیر، با عشق» بخلق در قلب، و بسا دلیل و حساب» فعالیت میکند ستوده است. فروغ «تبلور آرمان خلق، سوخته صورت کارگر جنوب و دست پینه بسته کشتکار پیر» را مضمون شعر خود قرار داده است. دوستی شمری را برای ما فرستاده که حدس مینماید یکی از رفقای افسر توده ای قبل از کودتا سروده است، منجمه با این ابیات «خائف و ناتوان همچو رهن، در دره ماکین کرده دشمن / راه ما بستن کی تواند، خلق را واپس کی نشاند»، از رامس ف.م. شمری زیر عنوان «کارگر» فرستاده در تجلیل از نقش طبقه کارگر در انقلاب ضد امپریالیستی. فریاد آشنا نام مستعار شاعری است که سروده خود را بجزش تقدیم کرده، منجمه با این ابیات «ای توده ای بکوب، چون توده ای بکوب / بر فرق خصم خلق، با گرز زنده ات». با تشکر از همه دوستان.

کارگران مرغداری جاده کرج مشمول قانون کار نیستند

عده‌ای از کارگران مرغداری‌ها و دامدارها نامه‌ای به وزارت کار و برخی از روزنامه‌ها و از جمله روزنامه «مردم» ارسال داشته و از اینکه قانون کار در مورد آنان هنوز اجرا نمی‌شود، اعتراض کرده‌اند. متن نامه چنین است: دبا اینکه از سال ۱۳۴۸ طبق تصویب نامه وزارت کار و امور اجتماعی، قوانین کارحاکم در موسسات مرغداری و دامپروری مطابق قوانین کارگری کشور است، هنوز در اکثر قریب به اتفاق این موسسات هیچک از قوانین کار موجود اجرا نمی‌شود و روابط غیر انسانی بر آنها حاکم است. اختلافات کارگری اکثر در ژاندارمری و اخیراً در کمیته‌های منطقه حل و فصل می‌شود.

در این موسسات، تعین دستمزد، ساعات کار، تعطیلات رسمی، هفتگی، سالیانه، وجود ندارد و از بهداشت، بیمه و مسکن خبری نیست. ورود کارگران خارجی (مخصوصاً افغانی) در سالهای گذشته به کشور و آمادگی آنها برای کار دشوار غیر انسانی به نابسامانی‌های روابط کارگری در این موسسات بیشتر دامن زده است.

با وجودیکه کارگران افغانی باید کشور را ترک نمی‌کردند، صاحبان مرغداری‌ها و دامدارها بر سرای استثمار بهتر و بیشتر آنها را نگه داشته‌اند.

وزارت کار باید با پیگیری اجرای قوانین کار و تهیه شرایط غیر انسانی کار را در این موسسات تضمین و خواسته‌های مردم و قانونی زیر را هر چه زودتر تأمین کند: ۱- تعیین ۸ ساعت کار در روز (ساعات بیشتر اضافه کار محسوب شود)

۲- انجام تعطیلات هفتگی، رسمی و سالیانه (در صورت لزوم کار، اضافه کار پرداخت شود) ۳- اجرای بیمه‌های بهداشتی و اجتماعی کارگران و پذیرفتن سوابق کار آنها.

۴- رسیدگی به بهداشت کارگاه و مسکن غیر انسانی آنها. ۵- پرداخت حداقل دستمزد تعیین شده و اضافه حقوق سالیانه. ۶- جلوگیری از اخراج بیهلیل و بیرویه کارگران که حق خود را مطالبه میکنند. گروهی از کارگران مرغداری جاده کرج ۵۸/۵/۲۲

مسکو، پایتخت اتحاد شوروی- مهماندار شرکت کنندگان المپیا جهانی در سال آینده

المپیا جهانی، در تابستان سال آینده، در مسکو، پایتخت اتحاد شوروی، برگزار خواهد شد. در این دوره مسابقات جهانی ورزش تیمها و گروههای ورزشی متجاوز از ۹۰ کشور جهان شرکت خواهند نمود. به استقبال المپیا جهانی، در ماه ژوئیه سال جاری، مسابقات ورزشی قهرمانی جهانی در مسکو برگزار گردید. سرگی پاولوف، رئیس کمیته ورزش و تربیت بدنی اتحاد شوروی، طی مصاحبه مطبوعاتی، درباره تدارکاتی که جهت برگزاری المپیا سال ۸۰ در مسکو انجام میگردد و در مورد مسابقات قهرمانی جهانی ماه ژوئیه امسال، که در مسکو برگزار گردید، اظهار داشت:

در مسابقات قهرمانی جهانی ژوئیه سال جاری، که بمثابة تدارک مقدماتی برای مسابقات المپیا سال آینده است، علاوه بر دو هزار نفر ورزشکاران اتحاد شوروی، تیمهای ورزشی متجاوز از ۸۰ کشور جهان شرکت نمودند. سرگی پاولوف خاطر نشان نمود:

«امور ورزشی و تربیت بدنی در اتحاد شوروی مسرود توجه سازمانهای دولتی و اجتماعی کشور است، زیرا این امور با سلامت و تندرستی افراد جامعه ارتباط مستقیم دارد. در اتحاد شوروی مسئله ورزش از امور عادی و همگانی تمامی افراد جامعه است و از جانب دولت همه گونه امکانات در اختیار آنان گذارده میشود. جهت استفاده از ورزش بصورت همگانی از جانب افراد جامعه، شبکه تاسیسات ورزشی گسترده‌ای در کشور ایجاد

شده است. در سراسر خاک اتحاد شوروی و بسیاری از کشورهای جهان، از ماهواره‌های مخابراتی استفاده خواهد شد. کمیته ورزش و تربیت بدنی اتحاد شوروی همچنان به تدارکات خود برای پذیرائی از ورزشکاران جهان و مهمانان المپیا سال ۸۰ ادامه میدهد و پیروزی ورزشکاران جهان را در این مسابقات ورزشی دوستانه، که به حسن تفاهم و پیوند میان جوانان ورزشکاران جهان مساعدت خواهد کرد، آرزو مینماید.»

ده روز حقوق برای هر ماه تعطیل

عده‌ای از کارگران ساختمانی واقع در حسین آباد قصرالدشت شیراز، برای دریافت معادل ۱۰ روز حقوق برای هر ماه تعطیل شرکت، که رویهمرفته ۶ ماه میشود، گرد آمده‌اند. یکی از کارگران میگفت:

رئیس اداره کار طرف کارگران نیست. اکثریت کارگران این شرکت موفق به دریافت این مبلغ شده‌اند.

وقتی مزد «دوهوا» باشد

عده‌ای از کارگران کوره آجر فشاری که متعلق به حاجی جلیل رحمان ستایش است، خواست خود را در نامه‌ای بدین مضمون تسلیم اداره کار شیراز کردند: در اسفند ۵۷، ما کارگران کوره آجر فشاری بابت هر هزار آجر ۱۷ تومان میگردیم و تاکنون (۵۸/۵/۶) نیز همین مبلغ را میگیریم. در حالیکه کارگران کوره‌های مشابه اطراف کوره ما، بابت همین مقدار کار، ۲۷ تومان دستمزد میگیرند. بدینوسیله خواستار رسیدگی و افزایش دستمزد هستیم.»

یکی از این کارگران میگفت: «وقتی مزد دوهوا باشد یا دزدی داره میشه یا قلچماق بازی». یکی دیگر از کارگران چنین اظهار داشت: «چون کشور اسلامی شده، بخاطر اینکه کشور رو سامان بگیره، به کارفرما فشار زیادی نمی‌آریم والا...» این کارگران میگفتند که اگر به کارشان رسیدگی نشود، دست از کار خواهند کشید.

سندیکای کارگری نورد ایران رسمیت یافت

در مورد تشکیل سندیکای کارگری نورد ایران از گروه صنعتی ایسران، روز سه‌شنبه ۵۸/۵/۱۶، تعداد ۱۵۰ نفر از کارکنان کارخانه، جهت تعیین نماینده واقعی سندیکای خودشان در سالن غذاخوری مهندسین جمع شدند. پس از معرفی نماینده اداره کار و سخنان کوتاهی که از طرف ایشان ایراد شد، رسمی بودن جلسه و مقررات جلسه و انتخاب رئیس هیئت مدیره اعلام شد. یکی از کارگران کاندیدا، سخنانی در مورد سندیکا و انتخاب نمایندگان واقعی و وجود نارسائیهای بسیار در امور کار و رفاه کارگرو ضرورت اتحاد تمام کارگران در اتحادیه‌های کارگری بیان داشت و اضافه نمود که تشکل کارگران میتواند ضامن حفظ و مدافع منافع آنها باشد. در پایان، با نظارت نماینده اداره کار و کارگران، انتخابات شروع شد و پنج نفر بعنوان هیئت مدیره ۲ نفر اعضای علی‌البدل و ۳ نفر بازرسان انتخاب شدند. این انتخابات توسط نماینده اداره کار تأیید شد و سندیکارسمیت قانونی پیدا کرد.

چرا به کارگران بیکاررشته ساختمان وام کارگری پرداخت نمیشود؟

در روز ۵۸/۵/۷ کارگری بیکار بدنبال محل پرداخت وام‌های کارگری میگشت. او به یکی از شعبه‌های دریافت وام کارگری (شعبه ۳ تأمین اجتماعی) واقع در میدان شوش مراجعه کرد. در بالای سر کارمندی که مسئول پرداخت وام بود، نوشته شده بود: «طبق ضوابط تعیین شده به کارگران ساختمانی وام کارگری داده نمیشود و بدینسان از پرداخت وام به کارگر فوق خودداری نمود.»

شرکت اکباتان سوءاستفاده طاغوتیان از این شرکت

شرکت اکباتان در زمان بهلولی لانه‌ای برای مفتخراری اقلیتی بود که با هزار بندمرمی و ناهرمی به دربار وابسته بودند، که خوشبختانه به برکت انقلاب ایران، بساط آنان برچیده شد. کارکنان این شرکت با اتحاد و همبستگی خویش موفق شده‌اند بخشی از حقوق خود را تحقق بخشند. از آنجمله اعتصاب و تحصن اسفند ماه کارکنان بود که در نتیجه آن اکثریت خواستهای آنان عملی شد و همچنین اعتصاب اخیر حدود اردیبهشت ماه بود، که باز کارگران موفق به گرفتن یک سال عیدی عقب افتاده خود شدند.

در زمان قبل از انقلاب، پیمانکاران و واسطه‌ها تاحد امکان استفاده نامشروع میکردند. مثلاً یک پیمانکار کاری را پیمانی بدست میگرفت و آن را به پیمانکار دیگر واوم به پیمانکار سوم میداد. نا جاییکه مثلاً از یک متر نازک کاری داخل ساختمان، پیمانکار اولی ۲۵ تومان و پیمانکار آخری ۷ تومان دریافت میکرد. باینکه این پیمانکارها انواع ماشین آلات سنگین و یا وسایل ساختمانی مانند آسانسور و غیره را، بدون در نظر گرفتن قابلیت مصرفی آنها، سفارش میدادند و در این مورد اشکالات جدی بوجود می‌آوردند. یا بعضی مدیران، بغیر از حقوق خودشان، ماهی فقط بیست هزار تومان حق مشاوره با پیمانکاران از شرکت دریافت میکردند که طبیعتاً بار تمام این غارتگریها بردوش کارگران بود. بعد از انقلاب، کارگران آقای اسدی، نماینده واقعی خود را انتخاب نمودند و کارکنان، شورای کارخانه را با ۱۷ نفر تشکیل دادند که هر قسمت نماینده خود را به این شورا گسیل داشته است. از جمله اقدامات شورا عبارتست از:

- ۱- تصفیه کارخانه از مدیران وابسته و تمام خارجیها
- ۲- کوتاه کردن دست تعداد زیادی از پیمانکاران (و نه همه، زیرا اگر همه پیمانکاران اخراج میشدند، بعضی قسمتهای کارخانه تعطیل میشد)
- ۳- تقلیل حداکثر حقوق تا ۱۵ هزار تومان. این شورا تصمیم دارد بزودی نشریه‌ای به نام اکباتان منتشر بکند، که در آن تمام فالیتهای شورا منعکس است.

اخبار دهقانی

شرایط استفاده از تراکتور را برای دهقانان سهل تر کنید

از شیراز خبر میرسد، شرایطی که برای فروش تراکتورهای ساخت رومانی از طرف دولت به دهقانان در نظر گرفته شده، دشوار و اغلب خرید تراکتور برای دهقانان نیازمند غیر ممکن است. این دهقانان برای خرید هر تراکتور میبایستی ۹۰۰۰ تومان پیش‌قسط پرداخت کنند و خانه‌ای به ارزش حداقل ۲۰۰۰۰۰ تومان را نزد بانک توسعه کشاورزی به گرو بگذارند. اکثر دهقانانی که به تراکتور نیاز دارند، قادر به پرداخت این مقدار پیش‌قسط نیستند و خانه‌ای به ارزش ۲۰۰ هزار تومان در اختیار ندارند. با اینکه اغلب چندین نفر برای خرید یک تراکتور شریک میشوند، باز موفق به انجام اینکار نمیکردند. دو تن از دهقانان میگفتند که ما چهار نفر از اهالی یک ده شریک شده‌ایم تا یک تراکتور بخریم، ولی نتوانستیم سند خانه‌ای به ارزش ۲۰۰ هزار تومان در اختیار بانک بگذاریم و تراکتور دریافت کنیم.

مردم- از آنجا که یک دولت ملی میبایست به کشاورزی، بتواند یکی از ارکان مهم یک اقتصاد مستقل توجه جدی داشته باشد و برخلاف سیاست خانمان بر انداز رژیم بهلولی، تداوم بیابدید که کشاورزی ما به خود متکی گردد و هر چه سر یعتر احیاء شود، لازم است که دولت به این خواست برحق دهقانان زحمتکش ما توجه جدی نماید و با سرمایه‌گذاری در روستاها، از جمله دادن کمکهای ضرور به روستائیان، ویژه دهقانان خرده‌پا و کم‌زمین، به این مهم جامعه عمل بپوشاند.

چاههای آب سرمایه‌داران فراری را برای استفاده در اختیار روستائیان قرار دهید

روستای کتالان، از توابع فیروزکوه، در حدود ۲۰۰ خانوار در تابستان و در حدود ۸۰ خانوار در زمستان جمعیت دارد. دلیل این وضع نبودن کار دائمی است، که اکثر اهالی این روستا زمستانها برای کار به مازندران میروند. بغیر از ۲-۳ نفر، که در حدود ۵ هکتار زمین آبی دارند، بقیه از یک هکتار کمتر دارند و بیش از نیمی از اهالی اصلا کشت آبی ندارند و فقط دیم‌گندم و جو و نخود و از این قبیل میکارند و آبهم در صورتیست که در سال بارندگی شده باشد. آب برای کشاورزی از چشمه‌ها تأمین میشود، که بسته به بارندگی، کم و زیاد میشود. هر سال بر سر تقسیم، به دلیل کمی آب، مردم بجان هم می‌افتند. در حالیکه مردم ده از کم آبی مینالند، دو چاه آماده بکار با موتور آب، که بوسیله عوامل شاپور در زمین مردم این روستا حفر شده، اکنون بوسیله مردمی نامعلوم بسته شده است، به این بهانه که این چاهها در گرو بانک است و هر کس که میخواهد استفاده کند، باید بدهی آن سرمایه دار فراری را بپردازد. مردم این روستا خواهان آنند که این چاهها در اختیار آنها گذاشته شود تا با استفاده از این چاهها، مراتع دیم خود را زیر کشت آبی ببرند و در آبادی منطقه بکوشند.

شرکت در حال تعطیل کامل است

شعبه شرکت چکش، واقع در پل قنبر، نزدیک شیراز، پیمانکار نیروی هوایی است. این شرکت مدتی است کار را متوقف کرده و عده‌ای از کارگران را، که تعداد آنها زیاد است، مخرج کرده است و در این روزها مشغول فروش ماشین آلات خود است. عده‌ای از تکمیلان این شرکت، حدود ۱۴ نفر، که در دوشیفت به کار نگهداری وسایل مشغولند، نگرانند که شرکت به همین ترتیب وسایل را بفروشد و در آخر آنها دستشان به جایی بند نباشد. این عده روزهای متوالی است که به اداره کار شیراز برای رسیدگی فوری به کارشان مراجعه میکنند. بعضی از این کارگران چهار سال و برخی ۷ سال سابقه کار در شرکت دارند. از جمله مزایایی که باید به آنها پیش از تعطیلی کامل شرکت تعلق گیرد، حق اولاد و صدی ۳۵ حقوق است.

جلو غارتگریها را بگیرد

روز پنجشنبه، ۵۸/۵/۱۸، عده‌ای سارق مسلح، که به گواهی چوپان ده، چهار نفر بودند، با آسایش خاطر و بدون ترس، در روشنایی روز، حدود ساعت ۷ بعد از ظهر، تعداد ۵۱ راس بز و گوسفند از قریه موسی نارنج ماهیسهشت، واقع در ۲۰ کیلومتری کرمانشاه، را بغارت بردند. اهالی قریه به تعقیب آنها پرداختند، اما سارقین بطرف مردم آتش گشودند و آنها را ناچار به بازگشت کردند. اهالی به پاسگاه ژاندارمری محل مراتب را گزارش کردند. ساعت ۳ نیمه شب یک استوار، سه ژاندارم و یک مجاهد وارد قریه شدند و با کمک مردم به چند دسته تقسیم شدند و به ردیابی پرداختند. تاکنون، یعنی تا ۲۰ مرداد نتیجه‌ای بدست نیامده است. اهالی از این بی نظمی به تنگ آمده‌اند و از دولت میخواهند که جلو این راهزنیها و چپاولها را در منطقه بگیرد.

خوزستان را دریا بید!

کشورهای سوسیالیستی پشتیبان نیرومند جنبش‌های آزادبخش ملی

روزنامه یراودا در مقاله‌ای پیرامون اوضاع نیکاراگوئه می‌نویسد،

نیروهای دمکراتیک و ملی امریکای لاتین به یک پیروزی مهم دیگر دست یافتند و خلق نیکاراگوئه رژیم دیکتاتوری سوموزا را، که زاندارم و محافظ منافع امپریالیسم امریکا بود، سرنگون کرده است. در این پیروزی، مبارزه نیرومند جهانی در زمینه همبستگی با خلق نیکاراگوئه نقش مهمی بازی کرد و همین مبارزه بود که امریکا و رژیم‌های دست‌نشانده آنرا از مداخله آشکار نظامی در نیکاراگوئه بازداشت.

رویدادهای نیکاراگوئه یکبار دیگر به روشنی نشان دهنده دگرگونی همه‌جانبه اوضاع جهان است و قدرتها و بلوکهای امپریالیستی اجزای سیاست و جغرافیای بزرگ را روز بروز مشکل‌تر می‌بینند. مهمترین دلیل تغییرات در صحنه جهانی را میتوان تحکیم اتحاد انقلابی کشورهای سوسیالیستی، جنبش کارگری جهان و جنبش آزادی بخش ملی دانست. اتحاد شوروی، قاطعانه در پیگیری سیاست لنینیستی خود، از جنبش آزادی بخش ملی حمایت

می‌کند. اولین کشور سوسیالیستی جهان متحد وفادار وستون اتکاء قابل اعتماد این جنبش است. روابط تازه میان اولین کشور سوسیالیستی جهان با کشورهای نو استقلال، که تادیروز مستعمره بودند، روابطی بسابقه است. این روابط به آنها در مقابل با تهاجم امپریالیستی کمک می‌کند و وظایف مردم پیشرفت اجتماعی را با موفقیت حل می‌کند. بیش از هزار موسسه صنعتی و دیگر پروژه‌های اقتصادی، بکمک اتحاد شوروی در آسیا و آفریقا و امریکای لاتین ساخته شده و یاکار ساختمان آنها آغاز شده است. این طرحها استقلال اقتصادی کشورهای نواستقلال را تحکیم بخشیده به آنها کمک می‌کند تا به عقب‌ماندگی دیرینه فائق آیند.

کمک مثبت و نفوذ همه‌جانبه و قدرتمند کشورهای سوسیالیستی این متحد طبیعی جنبش‌های آزادی بخش ملی را میتوان از آغاز مبارزات آزادی بخش برای استقلال کشورهای نواستقلال مشاهده کرد، قدرت این اتحاد بزرگ ثابت شده است. گذشت زمان و تاریخ نیز آنرا ثابت کرده است.

در مقابل «دولت» و «فارسها» قرار دهد. امپریالیسم از یکسطرف میکوشد این کار را با نقاب «چپ» و در قالب گروهکهای ماژوویستی، ترانسکیستی و آنارشستی انجام دهد، تا بدینوسیله هم خود را از انظار پنهان سازد و در قالب «نیروی هوادار عرب» ظاهر شود و هم به مبارزین مسلمان و انود سازد که دست «چپ» و «کمونیست‌ها» در کار است و بدینوسیله تبلیغات ضد کمونیستی را دامن بزند. از طرف دیگر امپریالیسم میکوشد بوسیله عوامل خود و با سوء استفاده از میهن‌دوستی زحمتکشان غیر عرب و علاقه آنها به حفظ تمامیت ارضی ایران، آنها را بر علیه خلق عرب بشوراند. رسوخ عناصر مشکوک و ناباب در کمیته‌ها و دیگر سازمانهای اجرائی، کمک بزرگی برای اجرای نقشه ارتجاع است. در اینجا باید از اقدامات غیرمسئول پاره‌ای عناصر فاقد صلاحیت در کمیته‌ها و در سپاه پاسداران نیز نام برد، که بر بفرنجی کار می‌افزاید.

متأسفانه دولت تاکنون اقدام قاطعی در جهت از بین بردن ریشه‌های این تشنج‌ها بر نداشته است. با وجود اینکه همگان دست عوامل سیا و ساواک و موساد را در حوادث خوزستان متذکر میشوند، ولی متأسفانه مقامات دولتی تاکنون هنوز حتی لیست ساواکیها را منتشر نکرده‌اند و گام مهمی در تصفیه ارگانها از عوامل ساواکی و ارتجاعی بر نداشته‌اند. تعداد دستگیریه‌ها و محاکمات عوامل ساواک در این منطقه و مجازات آنها بسیار محدود و جزئی بوده است، و آنها که خود را در امان می‌بینند، هر روز گستاخ‌تر میشوند و توطئه جدیدی می‌آفرینند.

برای نمونه میتوان از شخصی موسوم به مکی فیضی نام برد که سالها نماینده مجلس بوده و از آن گروه روسای عشایر است که با رژیم شاه مخلوع تا آخرین دقایق همکاری می‌کردند. وی حتی در دسته چماقداران بود. او تا چندین ماه بعد از انقلاب هم در شهر آزادانه فعالیت می‌کرد.

ما این گفته تیمسار مدنی، استنادار خوزستان، را که می‌گوید: «در این استان عرب و عجم روبروی هم نیستند، این امپریالیسم است که دست به توطئه زده»، تأیید می‌کنیم و به همین جهت بر ایمان قابل درک نیست که چرا بر علیه عوامل امپریالیسم قاطعانه عمل نمی‌شود. حزب توده ایران با احساس مسئولیت کامل در قبال انقلاب ایران و با در نظر گرفتن حساسیت وضع خوزستان، با درگیری به دولت، به استناداری، به کمیته‌ها و تمام سازمانها و نیروهای انقلابی هشدار میدهد؛ تا درین نشده، توطئه و تحریکات امپریالیسم و ارتجاع را بسا اقدامات قاطع انقلابی خنثی کنید.

بنظر ما برای جلوگیری از توطئه و تحریکات امپریالیستی باید اقدامات زیرین هر چه سریعتر انجام شود،

۱- برسمیت شناختن حق خودمختاری اداری و فرهنگی خلق عرب در چارچوب ایرانی واحد و مستقل و با حفظ تمامیت ارضی ایران و از بین بردن میراث شوم ستیم ملی که بر این خلق وارد میشد. خلق عرب باید امکان داشته باشد که بزبان عربی آموزش ببیند، سنن و آداب و رسوم خود را حفظ کند و فرهنگ خود را تکامل بخشد. در یک کلام، خلق عرب باید بتواند در تعیین سر نوشت خود شرکت داشته باشد.

۲- اقدامات سریع رفاهی در مناطق عقب مانده و کمک به وضع زندگی مشقت بار خلق عرب و حمایت جدی از اقداماتی که در شرف انجام هستند، بمنظور رفع نارسائی‌هایی که میراث رژیم شاه مخلوع است و دستاویزی در دست گروههای ارتجاعی و چپ‌نما برای تضعیف انقلاب و رهبران انقلاب، امام خمینی است.

۳- اعلام لیست اعضای ساواک در خوزستان و پاکسازی دستگاه دولتی و دیگر سازمانهای اجرائی از عوامل آن و بدین طریق کوتاه کردن دست آنها از امر اکز حساس، دستگیری و محاکمه علنی و فوری آنها بوسیله دادگاههای انقلاب.

۴- تصفیه کمیته‌ها از عناصر مشکوک، ناباب و غیر صالح. با توجه به نقش بزرگی که کمیته‌های انقلاب در جهت مبارزه با عوامل امپریالیسم و ارتجاع ایفا کرده‌اند، طبیعی است که در صورت رخنه عوامل دشمن و عناصر ناصالح در آنها، نه تنها از کار آنها و برائی آنها کاسته میشود، بلکه به وسیله‌ای برای بنام کردن کمیته‌های انقلاب و در دید نهائی ضربه زدن به اعتبار رهبری انقلاب بدل میشود. باید با تصفیه همه‌جانبه این کمیته‌ها، همانطور که امام خمینی بارها تأکید کرده است، نقش انقلابی آنها را ارتقاء بخشید.

حزب توده ایران از خلق برادر عرب می‌طلبد، در مقابل دسایس امپریالیسم هشیارانه عمل کند و بدام شعارهای ظاهر فریب آن نیفتد. نیروهای مبارز و مترقی عرب باید بکوشند که عوامل مشکوک و ساواکی را شناسائی کنند و آنها را از میان خود برانند. در عین حال حزب توده ایران از اهالی غیر عرب و از دیگر سازمانها و نیروهای مترقی خوزستان میخواهد که از تحریکات امپریالیسم و ارتجاع بر حذر باشند و متحداً و با اقدامات قاطع و اصولی و انقلابی ضد انقلاب را سرکوب کنند.

فقط با اتحاد نیروهای انقلابی، اعم از عرب و غیر عرب و صرف نظر از وابستگی‌های سیاسی و مسلکی و مذهبی میتوان توطئه امپریالیسم و عوامل چپ‌نما و راستگرا را در خوزستان خنثی کرد و پیروزی نهائی و قطعی انقلاب را تضمین نمود.

خوزستان همچنان ناآرام است و آستان حوادثی است که میتواند در آینده بر بفرنجی وضع بیفزاید. ضد انقلاب بعد از یک دوره کوتاه سردرگمی، بنحویه‌ای آید، میکوشد تا متشکل شود و به حمله متقابل میبپردازد، ما بارها شاهد انفجار لوله‌های گاز و نفت، خراب کردن پلها و خطوط ارتباطی، بمب‌گذاری در مساجد و معابر عمومی و ساختمانهای عام‌المنفعه بوده‌ایم، بطوریکه روزی نیست که در آبادان، خرمشهر و سایر نواحی خوزستان صدای تیراندازی شنیده نشود. آنچه تأسف آفر است اینست که برخی از کمیته‌ها نسبت به این اعمال بی‌تفاوتی نشان میدهند. بعلاوه بجاست که از جنس سرد تبلیغاتی نیز که بنام گروههای مختلف صورت می‌گیرد و بر بسدبینی مردم می‌افزاید و محیط را متشنج‌تر می‌سازد، نام برد.

جای تعجب نیست که ضد انقلاب، که بوسیله امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا و کشورهای مرتجع منطقه تغذیه میشود، روز بروز با اقدامات خرابکارانه و توطئه آمیز خود می‌افزاید. امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی وابسته به آن و رژیم‌های مرتجع محلی بوسیله انقلاب پیروزمند مردم ایران، که در آن بلااستثناء همه خلقها، اعم از فارس، کرد، آذربایجانی، عرب و ترکمن و... قهرمانان هرزه‌مندند، منافع سرشاری را از دست داده‌اند. بر یکی

از مهمترین پایگاههای اقتصادی، استراتژیک، نظامی و سیاسی امپریالیسم ضربه جدی و سنگینی زده شده است. آنچه شکست آور است عدم قاطعیت کافی از جانب دولت موقت در کوتاه کردن هر چه سریعتر دست امپریالیسم و عمال و جاسوسانش از ایران است. فراموش کردن امپریالیسم آمریکا، بعنوان دشمن اصلی انقلاب ما، از جانب نیروهای راست افراطی و چپ‌نماها و نسبت دادن اقدامات توطئه آمیز و خرابکارانه ارتجاع و امپریالیسم به نیروهای اصول انقلابی نیز امری عادی شده است.

بیهوده نیست که امام خمینی، رهبر انقلاب ایران مرتب هشدار میدهد و مردم را به اتحاد در مقابل امپریالیسم دعوت میکند و امپریالیسم آمریکا دشمن شماره یک خلقهای ایران می‌شمارد.

در چارچوب خرابکاریها و توطئه‌های امپریالیسم در ایران، خوزستان واقعا موقعیت بسیار حساسی دارد؛ بخش عمده نفت کشور، که تقریباً ۸۰ درصد بودجه دولت را تشکیل میدهد، در این منطقه استخراج میشود. همانطور که اعتصاب قهرمانان کارگران نفت توانست گلوی رژیم ضد ملی شاه مخلوع را بفشارد و نقش قاطعی در نابودی آن بازی کند، هم اکنون نیز امپریالیسم میکوشد با متشنج کردن اوضاع خوزستان و ضربه زدن به تولید نفت، انقلاب ایران را بخطر اندازد. باید اذعان کنیم که اگر اقدامات قاطع و انقلابی صورت نگیرد و همه نیروهای انقلابی متحد نشوند، این خطر میتواند برای انقلاب ایران بسیار جدی باشد.

در خوزستان خلق عرب زندگی میکند، که قهرمانان، دوش پدرش سایر خلقهای ایران، بر علیه امپریالیسم و ارتجاع رژیمه است. رژیم شاه کوشید با ایراد فشار مضاعف بر این خلق (مثل فشاری که بر دیگر خلقهای غیر فارس اعم از کرد، آذربایجانی، بلوچ، ترکمن و... وارد می‌ساخت)، هم استثمار خلق عرب را تشدید کند و هم بین این خلق و دیگر خلقهای ایران دشمنی ایجاد کند، تا از این راه بتواند زندگی تنگین خود ادامه دهد. گرچه این امر نتوانست از سرنگونی رژیم فاشیستی شاه مخلوع جلوگیری و ولی توانست اثرات سوئی بجای بگذارد، که به ضد انقلاب امکان بهره برداری میدهد.

هر کس به محله‌های عرب نشین حاشیه شهرهای خوزستان و یا دهات این منطقه سری زده باشد، میداند که این برداران، در چه وضع استغناکی زندگی میکنند. آنها در فقیرترین و کمترین محلات، در کوره‌ها و بی‌قول‌هایی بنام منزل زندگی میکنند، که در اکثریت مطلق خود، چه در شهر و چه در روستا، فاقد آب آشامیدنی، برق و حمامند؛ ولی در عوض درکنار همین مردم گرسنه و فقیر زده، امپریالیست‌ها و وابستگان ایرانی آنها، میلیاردها دلار بحساب استثمار و حشیانه این زحمتکشان، سود به جیب زده‌اند.

علاوه بر این، شاه مخلوع منکر وجود خلقی بنام خلق عرب در خوزستان بود و هر گونه خواست این خلق را برای حفظ تکامل فرهنگ و زبان خود و حشیانه سرکوب می‌کرد و آنها را از شرکت در تعیین سر نوشت خویش محروم ساخته بود.

آن عده از شیوخ عرب، که در موضع ارتجاعی قرار دارند، در گذشته نیز بعنوان دستاویز رژیم خائن شاه مخلوع عمل میکردند و در عین حال چماقی در دست ارتجاع و امپریالیسم بر علیه جنبش کارگری در این منطقه و همچنین علیه خود خلق عرب این منطقه و سایر شیوخ بودند. آنها با سوء استفاده از بسوادگی و عقب ماندگی فرهنگی این خلق، که میراث امپریالیسم و نواستعمار است، بشدت بغارت خلق عرب مشغول بودند و زندگی را سیاهتر می‌ساختند.

این شرایط دشوار زندگی و ستمی که از جانب رژیم شاه مخلوع به خلق عرب وارد آمده، ایجاب میکند که هر چه زودتر و بی‌گیریتر تصمیمات قاطعی بنفع این خلق زجر دیده و قهرمان در جهت احقاق حقوق حقه ملی و انسانی آنان اتخاذ گردد. بویژه که درست از همین ادریه شوم رژیم منقرض پهلوی است که ارتجاع و امپریالیسم حامی او میکوشند حداکثر بهره‌برداری را بکنند. آنها که در دوران آقائی خود در ایران، هر گونه حق طلبی خلقهای ایران را با نام «تبعیض طلبی» سرکوب میکردند، حالاً بنام «دفاع از خلق عرب» و «خودمختاری» دست به تحریک می‌زنند و توطئه می‌چینند. امپریالیسم میکوشد با رخنه دادن عوامل خود و بسا سوء استفاده از وضع بد زندگی خلق عرب، که برآستی هم در شرایط بکلی غیر انسانی میراث رژیم شاه مخلوع زندگی میکنند، آنها را به شورش برانگیزد

افراد مشکوک کمیته دولت آباد خانه مستضعفان را از آنها میگیرند

توهین و زور به کمیته می‌برند. یکی از این زورگوئی‌ها روز جمعه ۱۹ مرداد روی داد. ساعت یک بعد از ظهر این روز، شخصی بنام داود، که هیکل تنومند و ریش تویی دارد، همراه چند پاسدار و یک ژاندارم بمحل آمد تا ساکن یکی از خانه‌ها را که فنجی نام دارد، به زور وارد به تخلیه خانه کند. صاحب خانه و زنی مقاومت کردند و حاضر به تخلیه خانه نشدند. پاسداران هم بدستور داود، در حالیکه دشنامهای رکبک میدادند، صاحب خانه و زنی را، که بچه کوچکش را در بغل می‌فشارد، در میان اشک و زاری مردم به کمیته بردند.

افراد مشکوکی که در کمیته دولت آباد نفوذ کرده‌اند، بدون دست داشتن حکم تخلیه، بخانه‌های مردم، که همه آنها کارگرو زحمتکش هستند، میروند و بزور آنها را وادار به تخلیه خانه‌شان میکنند. دولت آباد، در جنوب شرقی تهران، از فقیرترین محلات پایتخت است و یکی از وسیعترین حلی آبادهای تهران در این منطقه قرار دارد. شام خائن، در اواخر سلطنت تنگین خود، برای اجرای نمایش «مردم دوستی»، مقداری خانه در منطقه دولت آباد ساخت و البته اغلب آنها نصیب کسانی که خانه‌ها با اسم آنها ساخته شده بود، نشد.

در روزهای انقلاب، مردم زحمتکش دولت آباد این خانه‌ها را بدستور داد و زنگی را در آنجا آغاز کردند. برخی از خانه‌ها هم توسط افرادی تصرف شد که در ازای چند هزار تومان آنرا به دیگری واگذار کردند. بعد از انقلاب، افرادی سعی کردند مردم را از خانه‌ها بیرون کنند. مردم هم دسته جمعی پیش امام رفتند و امام به کمیته‌ها دستور داد هیچکس حق ندارد مزاحم مردم شده، آنها را از خانه‌ها بیرون ببرد. بعد از دستور امام، مردم مدتی در آسایش بودند، اما یکی دو هفته است که مزاحمت افراد مشکوکی که در کمیته محله نفوذ کرده‌اند، آغاز شده است. آنها سعی میکنند مردم را از خانه‌هایشان بیرون کنند و بسند آن خانه‌ها را در ازای چند هزار تومان به کس دیگری میدهند و از این طریق کلاشی میکنند. وقتی هم که مردم مقاومت میکنند و حاضر به ترک خانه نمیشوند، آنها را بسا

کتاب تازه
«گفتاری درباره
امپریالیسم»
از: نورالدین کیانوری
نگاشته سال ۱۳۵۳
از انتشارات حزب توده
ایران

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فلا هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود.
نشانی،
خهبان ۱۶ آذر، شماره ۶۸،
تلفن: ۹۳۴۴۵۹، ۹۳۵۷۲۸

از انقلاب با اصولیت و با مسئولیت باید دفاع کرد

انقلاب ایران گذشته‌های سختی را در پشت سر گذاشته، ولی با احتمال قوی، گذشته‌های سختی را هنوز در پیش رو دارد. امام خمینی، در یکی از سخنرانی‌های اخیر خود، با اطمینان گفت که ضدانقلاب دیگر خطر بزرگی برای جامعه ما نیست و انقلاب از همه «ریشه‌های گندیده» ریزیم گذشته، که هنوز باقی است، بخوبی برمیآید. نظر امام خمینی مسلماً بر اطلاع همه جانبه ایشان از اوضاع استوار است و برای ما، هم مطبوع است و هم قابل وثوق. با اینحال عقل و گوش بزرگی حکم میکند که به ضدانقلاب، همچنانکه در نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران با تفصیل ذکر شده است، کم‌ها داده نشود.

ما می‌بینیم که عمال امپریالیسم و رژیم سابق، جناح راست افراطی و عناصر چپ‌نما، که بعدها شکل درآمده‌اند و در همه ارگان‌ها و از آنجمله دولت و کمیته‌ها و پادشاهان رخنه کرده‌اند، با تبلیغات وسیع خود، با استفاده از مشکلات ناگزیر انقلاب، دارند از شور و شوق انقلابی مردم، از اعتقاد اولیه آنها به رهبران انقلاب و پیرویه امام خمینی، از عزم جزم آنها برای طرد هر اقدام ضدانقلابی می‌کاهدند و روحیه شک، یاس، سرخوردگی، اعتراض، انتقاد، ناخوشمندی، تفرقه و سوءظن را با سرعت پیش می‌کنند و هر گام تازه انقلاب را با تفسیرهای مسخره‌آمیز یا بدبینانه خود بی‌چلوه می‌سازند.

ضدانقلاب برای پیشرفت کار خود پلیدترین شیوه‌های ابلیسی را بکار می‌برند، از ساختن «جوك»های مختلف گرفته تا تعبیرهای موزیانه و گاه بکلی دروغ از اعمال و اقوال رجال دولت و انقلاب. ضدانقلاب چرخ شایعه‌سازی را بچرخش درآورده و هدفش کشتن کردن، پوساندن و بی‌رمق ساختن فضای انقلابی است.

هم‌اکنون برای ضدانقلاب مهتوان موقیتهائی را در این زمینها ثبت کرد. نیروهای اصول انقلابی، که بهدفعی انقلاب وفادارند، در زیر فشار علنی او با شانه باند های ضدانقلابی قرار دارند و دولت و سایر ارگانهای انقلاب قادر نیستند، از امنیت سیاسی و شخصی آنها دفاع کنند. اعتراض مکرر حزب ما، اگر چه به واکنش مطلق آیت‌الله طالقانی در نماز جمعه منجر شد، ولی این هنوز ضامنی برای جلوگیری از فعالیت‌های ضدانقلابی نیست.

به پیدایش این فضا برخی مطبوعات هم با اشکال ظریف کمک کرده‌اند. ظاهراً این مطبوعات «ضد امپریالیست» و «دشمن سرسخت رژیم گذشته» اند و فقط از «تجاوزاتی» که به «آزادی» میشود، رنجیده خاطرند. ولی وقتی مدتی مطالب و شگرد کار این مطبوعات را دنبال میکنید، می‌بینید که تنها سفیهان باین نوع عوام‌فریبی‌ها باور می‌کنند.

هنوز خون شهیدان خشک نشده، آنها با سرکب خود دست بکار شدند. برای آنها همه دستاوردهای مثبت انقلاب در سیاست داخلی و خارجی نتیجه «پویائی خودبخودی جنبش انقلابی» است، ولی همه پدیده‌های منفی تفسیر رهبران درجه اول انقلاب است! بکمک سفسطه ظریف و با استفاده از وقایع روزمره‌ای که رخ میدهد، این مطبوعات دمبدم بحث‌های یاس‌انگیز و روحیه‌کشی را بر راه می‌اندازند. و مثلاً وقتی پیش‌بینی آنها درباره خطر «فلاانترسیم» آخوندی تحقق نمی‌پذیرد، آنرا بحساب مقابله بموقع و مبارزات پسرانه خود می‌گذارند! گویا اگر آنها نبودند، بر ایران هم‌اکنون فاشیسم حکومت میکرد!

درواقع اگر فلاانترسیم هم وجود داشته باشد، متعلق به انقلاب و رهبران صمیمی آن نیست، بلکه کار آگاهانه کسانی است که باید به این نوع مطبوعات «غذا برسانند» و در واقع متحدین دوروزندیک این نوع مطبوعاتند و حتی مهتوان گفت که رهبر ارکستر، در پس پرده، یکی است.

ما جدا خواستار احترام به حقوق حقه مطبوعاتیم، ولی نمیتوانیم درباره نقشی نادرست و زیانمند پاره‌ای از مطبوعات، بقصد عوام‌فریبی، سکوت کنیم.

انقلاب یکی از دشوارترین و حادثترین اشکال نبرد طبقاتی است. در اینجا شوخی در میان نیست. هر کس باید مسئولیت خود را درک کند، هر کس باید بفهمد که چه مینویسد و چرا می‌نویسد و مینویسد که چه بشود. تنها یک مثنی، مثنی تقویت واقع‌بینانه و همه جانبه از جهات مثبت رهبری سیاسی انقلاب، یک مثنی درست است، و با اسلوب بزرگ‌کردن دائمی مسائل غیر عمده و ایجاد محیط مساعد برای تبلیغات ضدانقلابی ابتدا نمیتوان سازگار بود، یعنی صحبت بر سر آن نیست که فلاان واقعه که فلاان روزنامه

قرارداد توسعه ذوب آهن ایران با اتحاد شوروی امضاء شد

اتحاد شوروی ۳۰ میلیون روبل به ایران تخفیف داد و قبول کرد که طرحهای مربوط به بالا رفتن سطح کارایی در واحد ذوب آهن را بطور مجانی ارائه دهد.

قرارداد توسعه ذوب آهن ایران با اتحاد شوروی امضاء شد. جهانشاهی، مدیر امور فنی ذوب آهن ایران، ضمن دادن این خبر گفت:

«تولید ذوب آهن که قبل از انقلاب بین ۵۵۰ تا ۵۷۰ هزار تن در سال بود و در طول انقلاب به کمتر از ۵۰۰ هزار تن رسید، تا پایان سال جاری به ۵۰۰ هزار تن خواهد رسید.»

جهانشاهی گفت: «پیش‌بینی میشود که کوره بلند تا ۱۲ ماه آینده مورد بهره‌برداری قرار گیرد. ذوب آهن در آینده یک میلیون و نهصد هزار تن فولاد بصورت شمش تولید خواهد کرد که از این مقدار یک میلیون و هفتصد هزار تن فولاد نورد شده است. همچنین بزودی با تغییراتی که در طرح و بسالابردن ظرفیت نوردها بعمل آمده، تولید آن به ۲ میلیون و صد و پنجاه هزار تن افزایش خواهد یافت.»

مدیر امور فنی ذوب آهن ضمن اعلام اینکه مخارج توسعه، ۲۴۳ میلیون روبل برآورد شده و مقامهای شوروی ۳۰ میلیون روبل تخفیف قائل شده‌اند، افزود:

«مقامهای ذوب آهن شوروی، علاوه بر این تخفیف، قبول کردند که بطور مجانی طرحهایی مربوط به بالا رفتن سطح کارایی در واحد ذوب آهن ارائه دهند و کارگاههایی را که برای این مجتمع لازم است، احداث کنند.»

توصیه به رفقای حزبی، هواداران و دوستان در مورد اخباری که برای «مردم» می‌فرستند

بسیاری از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب، در زمینه‌های گوناگون برای «مردم» خبر می‌فرستند، که موجب تشکر فراوان است.

«مردم» بر اساس اطمینان و اعتمادی که به رفقا و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند و برای اطمینان به صحت اخبارهم، جز تکیه به اینکفرستندگان اخبار و گزارشها مسئولیت خطیر خود را در این زمینه بخوبی درک می‌کنند، امکان دیگری ندارد.

ولی متأسفانه تا کنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار در یافتی دقیق نبوده است. از آنجا که «مردم» روزنامه‌ای مسئول و در میان مردم صاحب نفوذ و اعتبار است، و از آنجا که در شرایط بسیار حساس کنونی اخبار نادقیق ممکن است موجب سوء تفاهم شود و نتایج ناگواری ببار آورد و نیز به نفوذ و اعتبار حزب لطمه بزند، از همه رفقای حزبی و هواداران و دوستان خواهشمندیم که در کسب و تهیه خبر نهایت دقت را مبذول دارند. باسپاس. «مردم»

توجه!
گزارش تظاهرات روز قسسه، در همبستگی با خلق قهرمان فلسطین، در شماره آینده به اطلاع خوانندگان «مردم» میرسد.

در انگلستان
کمک مالی به حزب را میتوان بوسیله آدرس زیرین ارسال داشت:
P. O. Box 141
London, E7 OPE

یا مجله، در اطراف آن به قلمفرسایی‌های «شیرین» و وزیر کانه می‌پردازد، اصلاً وجود خارجی ندارد، یا نباید در این زمینه‌ها ایرادهای منطقی وارد ساخت. بحث ابتدا در اینجا نیست. بحث در اینجاست که مسئله عمده چیست؟ وظیفه روزگدام است؟ اکنون در جهت تقویت انقلاب ایران چه باید کرد؟ چگونه باید در دام ضد انقلاب نیفتاد و آنرا تغذیه نکرد؟ چگونه باید فضای امید و پیروزی را در جامعه حفظ کرد تا دشمن انقلاب جان نگیرد؟

آیا آزادی مطلق و بی‌بندبار و بدون مسئولیت در یکی از بفرنج ترین و حساس‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر ایران (و شاید تاریخ ایران) مجاز است؟ آیا اصلاحاتی در دنیا هست که چنین آزادی را مجاز شمرند، حتی در دوران غیر انقلابی؟

کمیسیون «کلیخ ایضی» بریاست جرج بال، مرکز تطبیق عملیاتی سازمانهای اکتشافی کشورهای غربی علیه انقلاب ایران است که یک مهره‌اش شاه خائن و دارودسته تیمساری-ساواکی‌اوست جناح راست جامعه‌ها اکنون تماماً به افزار این مرکز بدل شده و باتوسل به زور و تحریک و مفسده‌جویی‌های رنگارنگ، سخت گرم کار است. در واحدهای ملی مانند کردستان و خوزستان و بلوچستان اجاق‌های انفجار تهیه شده و کار ممکن است به درگیری خونین برسد. در این شرایط بحث‌های مشکوک و تهمت‌های عظیم و تحریک آمیز برخی جریانها، که عالماً عامداً حوادث را کج و کوله می‌کنند، آیا بخشی از همین عملیات دامنه‌دار ضدانقلاب نیست؟ آیا نوعی تدارک فاجعه نیست؟ آیا چنگ روانی بسود هدفهای معین نیست؟

چنانچه باید شخصی ساده لوح باشد که این القاب‌سپاسی را درک نکند. آخرین کارها در نقاط دیگر، شلیک بنگلادش، مصر آنکولا، اتیوپی و نقاط دیگر بارها تکرار شده است.

ما بطور راسخ طرفدار آزادی مطبوعات، دشمن سانسور، دشمن تعقیب خودسرانه مطبوعاتیم. ولی بطور راسخ طرفدار احساس مسئولیت در مقابل انقلاب و گوش‌بزرگی در مقابل ضد انقلابیم. وقتی ما بین این دو ملاحظه تضادی پدید شود، بنظر ما اولویت ناگزیر با ملاحظه دوم است. نمیتوان بحساب محو انقلاب، شیوه‌لوكس «بگذار هر که هر چه دلش میخواهد بنویسد» را مجاز شمرد. آن کدام انقلاب کور باطن بی‌عرضه است که نتواند از خود در مقابل بازیگریهای مختلف مخالفان دفاع کند.

ما مایلیم که درباره مطبوعات رفتار قانونی در برابر دیدگان و با اطلاع خلق، مستدل و تهمی از غرض و بحد اعلی انسانی و درست انجام گیرد. ولی ما ابتدا با اقدام انقلاب برای دفاع از خود در عرصه مطبوعات مخالفتی نداریم و نمیتوانیم و نباید داشته باشیم.

ممکن است در وضع آشفته کنونی، کسانی از همان نیروی ضد-انقلابی، با اصطلاح موفق شوند که این شتر را درخسانه دیگران هم بنحوا باندند، یعنی مطبوعاتی را که با یکگیری از انقلاب و رهبران صدیق آن در زمینه عمل سیاسی دفاع میکنند، مورد فشار و تهاجم قرار دهند. ولی بنظر ما این ابتدا نمیتواند دلیل شود که ما اقدام درست علیه مطبوعات «بدون مسئولیت» را «از ترس سر نوشت خود» نادرست بشمریم. بموقع خود، اگر عمل ناروایی بشود، خواهیم گفت: اقدام شما در فلان مورد اساسمند بود، ولی در فلان مورد نادرست. از بیم نادرست که نباید با درست مخالفت کرد.

ما بتوبه خود بر آنیم که یک سلسله مطبوعات، که خود را یار انقلاب نشان میدهند، دانسته یا ندانسته، عامداً یا سهواً آب در آسیاب ضدانقلاب میریزند. با آنها باید تذکر داد، اخطار کرد و اگر علیرغم تذکرات و اخطارهای اصولی و مستدل، در روش خود عناد ورزند، در برابر آنها باید واکنش قانونی نمود.

این از ضروریات انقلاب است. در اینجا محلی برای تسامح زائد و مطلق‌سازی آزادیها و نفی مسئولیتها نیست.

ما دچار این پندار باطل نیستیم که نیت ما در طرح این مسئله عین نیت دیگرانی است که در این مسئله با ما دوری همانند دارند. سیر حوادث نیت‌ها را بر ملا خواهد کرد. آنچه که به نیت ما مربوط است، جای کمترین شبهه‌ای نیست که وارسته‌ا ز فرض شخصی یا گروهی، سادقانه، در جهت سود خلق و انقلاب او و به تبمیت از اصولی است که بدان باور داریم. مادر این چارچوب حرف خودمان را همین‌وقت و بکسی کاری نداریم و حرف ما را باید در چارچوب حرف ما فهمید و الاسوء تفاهم و سوء تعبیر است.

نوشت: محقق زاده مردانه در برابر شکنجه مقاومت کرد. روحیه‌اش عالی بود. منوچهر مختاری، افسر جوان ۲۵ ساله‌ای که تمام نیروی زندگی و هیکار خود را در خدمت حزب قرار داده بود، با وجود عشق شدید به زیباییهای زندگی، به همسر جوان و پسر خردسالش، آنجا که لحظه تصمیم فرا رسید، بی‌ایهام و تردید، شهادت در راه خلق را برگزید. او قبل از آنکه به زندگی شخصی خود دل بندد، به آرمان زحمتکشان، پسا برهنه‌ها، محرومان اجتماع دل بسته بود. در نامه کوتاهی که رفیق شهید منوچهر مختاری به حزبش نوشت: تمام احساس خود را در

موضوع است که بمن در این روزهای دشوار نیرو میدهد و مرا شاد و سرسخت نگه میدارد. با دلی شاد و پر امید گلوله را در دل خود جای خواهم داد و تا آخرین لحظه، که گلوله‌ها قلمم را خواهد شکافت، افتخار پیوستگی ام را بخلق، چون پتک سنگین بر منز دشمنان میکوبم. ستوان مرزوان، در آخرین دقایق حیات، بارو حیه یک توده‌ای پیکارچو، خود را به محک آزمایش میزد. او میخواست هر اس احتمالی خود را در برابر مرک بیازماید و حد مقاومت خویش را بسنجد. پس از این خود آزمائی بود، که بارضایت بر دیوار زندانش نوشت: «قلمم را امتحان کرده‌ام، آرام است. امیدوارم همه زندانیان

بقیه از صفحه ۹ افول شکوهمند... هستم و با محقق زاده، هیچ نوع پیوند فکری و عقیدتی ندارم. اما نمیتوانم حیرت خود را از این همه رشادت و شهامت پنهان کنم. محقق زاده در دادگاه بی‌اختاست و گفت: او مسئول جلب یا نژده افسر هم‌رزمی به حزب توده ایران است و اگر از نظر این دادگاه غیر قانونی گناهی وجود دارد، گناهکار فقط اوست و فقط او باید اعدام شود. دفاعیه رفیق قهرمان محقق زاده، یکی از اسناد ارزنده‌ای بود که حزب ما بر آن دست یافت. متأسفانه در جریان

رفیق راه پیا

اگر به قهر در آئی، که فتنه می بارد
شفق نشسته به خون،
چشم آفتاب به خواب
به دشت صبح بهاران و جلوه‌ی مهتاب
هنوز سردی دیماه
گستریده بساط
اگر به سایه‌ی ناپاوری،
-ضالیت یاس-
کمان کشیده برانی
به رزمگاه بگاه
اگر به گریه نشینی
که اوای، زاغ وزغن
هزار آفت در آشنا، نثار تو باد
* * *
اگر چه نیست بهاری هنوز
خرمگون
اگر چه نیست صفائی هنوز
روشنگر
ولیک، غنچه‌ی نورسته در نوید
بین
ولیک، خرمن گلزار در سرش
نگر
* * *
رفیق راه پیا، تا غریب برگیریم
کز این سراچه‌ی دل
رفیق راه پیا، تا ترانه سرگیریم
که کام بلبل شیرین سخن
بیارید
حدیث جلوه‌ی مهتاب و شاه راه بهار
نوای مهر و محبت، که در ترانه‌ی ماست
هزار باغ گل و ارغوان
بیار آرد
رفیق راه پیا،
هم عنان، پیا
با ما.

سیروس نیرو

قلاش امپریالیسم برای منحرف کردن جنبش کشورهای غیر متعهد

نشریه «آسیا و آفریقای امروز» در تفسیری بین‌امون جنبش عدم تعهد می‌نویسد:

«مخالفان جنبش عدم تعهد از اختلاف ما و تناقض‌های موجود برای منحرف کردن مسیر آن، خنثی کردن سمت‌گیری ضد امپریالیستی جنبش و تمهیل نظریات و عقایدی که در صورت پذیرفته شدن به تضعیف و یا از هم پاشیده شدن آن وانحراف کشورهای عضو از مسیر ترقیخواهانه سنتی خود منجر خواهد شد، استفاده می‌کنند.

نواستعمارگران از یکسوازن طریق پخش اکاذیب مربوط به گسترش نفوذ «کمونیستی» در اردوگاه عدم تعهد، تلاش دارند پاره‌ای از کشورهای غیر متعهد را مسرعب کنند، از سوی دیگر تاکتیک‌های تازه نواستعمارگران بر سر این هدف دور میزند که مهمترین و پیچیده‌ترین شرکت کنندگان در جنبش را در «مخمس» قرار دهند، آنها را از مسیر اصلی عدم تعهد دور کنند و بتدریج این کشورها را در نظام سرمایه‌داری جهانی درگیر سازند، با این امید که این کشورها سرانجام بسیاری دیگر از شرکت کنندگان در جنبش را بدنبال خود خواهند کشاند.

مثال بارز مصر نشان می‌دهد که این تلاشها همواره بی‌ثمر نیست، نیازی به گفتن نیست که مصر از همان ابتدای شرکت کننده فعال جنبش بوده است، اما معاهده جداگانه مصر و اسرائیل، که با یادرمیانی آمریکا انجام شد، عملاً قاهره را در مقابل کشورهای غیر متعهد قرار داد.

اکنون آسیای جنوب شرقی، در چارچوب تاکتیک‌های انعطاف‌پذیرتر امپریالیسم در مورد جنبش عدم تعهد، مورد توجه کامل نواستعمارگران قرار گرفته است.»

توجه!

سلسله مقالاتی تحت عنوان «تحلیل وضع جهان»، نوشته رفیق احسان طبری، از شماره آینده در «مردم» منتشر میشود. ما توجه خوانندگان ارجمند را به این سلسله مقالات، که به درک عمیق‌تر رویدادهای دوران، کمک میکند، جلب میکنیم.

مخالفت با سیاست عدم تعهد، یعنی مخالفت با سیاست مستقل ملی

کامل ریشه‌های وابستگی سیاسی و نظامی و اقتصادی به امپریالیسم آمریکا، و قبل از همه لغو قرارداد اسارت‌آمیز نظامی با آمریکا، با نظر تأیید تلقی کردید. وزیر امور خارجه ایران نیز در توجه لغو قراردادهای مربوط به خریدهای تسلیحاتی و فروش یا پس‌دادن پاره‌ای از این تسلیحات از جمله جنگنده‌های اف-۱۴ روی این مسئله تأکید نمود که قراردادهای نظامی و تسلیحاتی و وجود اینگونه سلاحهای مدرن علاوه بر ریشه‌های سنگین که به کشور تحمیل میکند، نیاز به وسایلی دیگر و استفاده از مستشاران و کارشناسان نظامی آمریکایی دارد، که این مسئله خود نه تنها مانع رهائی از بندهای وابستگی نظامی و سیاسی به امپریالیسم آمریکاست بلکه این وابستگی را بیشتر میکند و در ضمن وجود این نوع سلاحها با استراتژی نظامی دولت جمهوری اسلامی، که باید گفت تابعی از سیاست خارجی آن است، مغایرت دارد.

با این همه، پاره‌ای از مقامات مسئول در ارتش بخود اجازه میدهند که مخالفت صریح خویش را با این سیاست ابراز دارند. آقای سرتیپ فلاحتی فرمانده نیروی زمینی در یک سخنرانی، سیاست عدم تعهد را برای کشور ما بی‌معنی دانسته است، با این استدلال که چون سلاح ارتش ما آمریکایی است، بنا بر این بناچار باید همچنان از آمریکا بدهی و تسلیح بخیریم! سخن دیگر، بنظر ایشان ایران باید همان سیاست وابسته به امپریالیسم آمریکا را دنبال کند.

گذشته از این مطلب، که تشخیص و تعیین خط مشی سیاست خارجی کشور، نه از اختیارات فرمانده نیروی زمینی ارتش، بلکه از اختیارات و در صلاحیت دولت جمهوری اسلامی است، یک چنین اظهار نظری را، اگر ناشی از میانه‌روی‌های شیوه تفکر نظامیگری دوران رژیم شاه مخلوع تلقی نکنیم، حداقل باید نشانگر ناآگاهی در مسائل سیاسی و عدم درک منافع انقلاب و استقلال ملی بدانیم.

نا گفته روشن است که یگانگی سیاست مقابل سیاست عدم تعهد، ادامه سیاست شرکت در پیما نه‌ای نظامی امپریالیستی، پیش گرفتن سیاست نظامیگری و مسابقه تسلیحاتی و پیش روی در مسیر تبعیت از منافع و مواضع سیاسی و نظامی و اقتصادی امپریالیسم آمریکاست. آیا یک مقام مسئول نیروهای مسلح که موظف بدفاع از دستاوردهای انقلاب و تأمین پیشرفت روند انقلابی است، میتواند بخود اجازه دهد که در مقام مخالفت و نفی خط مشی سیاست خارجی دولت بر آید و سیاستی مغایر با اهداف انقلاب و بزبان استقلال ملی کشور پیشنهاد کند؟ آیا چنین اظهار نظری از جانب چنین مقام مسئولی خطرناک نیست؟

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی مردم ایران، که در نتیجه آن رژیم مغفور سلطنتی و از گون گردید و نظام جمهوری اسلامی استقرار یافت، مبارزه برای ریشه کن کردن نفوذ امپریالیسم ضریب خورده ادامه یافت و ادامه دارد.

استاد و مدارکی که از جانب مقامات رسمی دولت جمهوری اسلامی و وزارت امور خارجه ایران در مورد قراردادهای نظامی و معاملات تسلیحاتی رژیم شاه مخلوع با امپریالیسم آمریکا انتشار یافت، وسعت و عمق خیانت‌های رژیم جنایتکار پیشین و درجه وابستگی ایران به امپریالیسم آمریکا را روشن تر کرد و در عین حال اتخاذ تدابیر پیگیر و قاطع در جهت رهائی از این وابستگی را میر تر و ضرورت ساخت. این وابستگی‌های نظامی و تسلیحاتی موجب شد که ایران به ژاندارم در منطقه و در نقشه‌های استراتژیک نظامی امپریالیسم آمریکا به مقیاس جهانی - بهایگاه نظامی تجاویزی مبدل گردد. بدین ترتیب قراردادهای نظامی و قراردادهای مربوط به خرید اسلحه رژیم مغفور پیشین بسا امپریالیسم آمریکا، که موجب برقراری و تشدید نفوذ پنتاگون (وزارت دفاع آمریکا) از طریق دهها هزار مستشار و کارشناس آمریکایی در ارتش ایران گشته بود، مجموعه سیاست خارجی ایران را نیز در دست پیروی از سیاست تجاوز و نظامیگری امپریالیسم، توطئه و تحریک علیه کشورهای مستقل ملی و سرکوب جنبشهای رهائی بخش خلقها بویژه در منطقه قرار داد.

خروج ایران از پیمان نظامی سنتی، لغو پاره‌ای از قراردادهای خرید اسلحه از آمریکا، خروج بخشی از مستشاران نظامی آمریکا، قطع روابط سیاسی با اسرائیل و مصر، از جمله کوششهای چشمگیری بود که از جانب دولت جمهوری اسلامی در زمینه رهائی از بندهای وابستگی سیاسی و نظامی کشور به امپریالیسم آمریکا انجام گرفت. اظهارات رسمی مقامات مسئول در مورد حمایت از جنبشهای رهائی بخش ملی و مبارز ضد امپریالیستی خلقها و سرانجام اعلام رسمی دولت در مورد پیوستن ایران به جنبش کشورهای غیر متعهد، از اقدامات جدی دولت جمهوری اسلامی ایران، در جهت اتخاذ یک سیاست خارجی مستقل ملی بشمار می‌آید.

این تصمیمات دولت جمهوری اسلامی، از جانب همه نیروهای راستین انقلابی، که دستیابی به هدف ضد امپریالیستی انقلاب را بدرستی تضمین واقعی جهت تثبیت دستاوردهای انقلاب و تضمین پیشرفت روند انقلابی میدانند و در عین حال معتقدند که تنها وسیله ایجاد چنین تضمینی عبارتست از قطع

قاضی و سخنگوی دادگاه انقلاب اسلامی: امام با تشکیل «دادگاههای ویژه جرائم ضد انقلاب» مخالفت کرد

● نزدیک به ۱۰۰۰ ساواکی در انتظار محاکمه هستند

دادگاههای انقلاب اسلامی، بعد از مدتی وقفه، فعالیت خود را با محاکمه عاملان کشتار ۱۷ شهریور و ۸ بهمن، از سر گرفتند. دکتر نراقی، قاضی سخن گوی دادسرای انقلاب استان مرکز، در گفتگویی با خبرنگاران درباره علل توقف کار دادگاههای انقلاب سخن گفت و ضمن اعلام اینکه دادگاهها با قاطعیت به فعالیت خود ادامه خواهند داد، در باره تشکیل دادگاههای ویژه در دادگستری برای انجام محاکمات انقلابی و جرائم ضد انقلاب گفت:

«روزی که ما اعلام دادگستری را دایر بر تشکیل این دادگاهها دیدیم روزی بود که در قم برای ملاقات با امام حضور داشتیم. پس از اطلاع از این موضوع، که در در یکی از جرائد صبح تهران منتشر شد، مطلب را به عرض امام رساندیم. امام این مطلب را تکذیب کردند و با توجه به اینکه در آئین - نامه تشکیل دادگاهها و دادسرای انقلاب باید به پیشنهاد دولت و تصویب شورای انقلاب و کسب اجازه از محضر امام صورت بگیرد،

لذا از امام سؤال شد که آیا این اجازه کسب شده است؟ امام فرمودند خیر، و اصولاً از تشکیل دادگاههای ویژه در دادگستری اظهار بیاطلاعی کردند و مخالفت خود را با تشکیل چنین دادگاههایی اعلام داشتند.»

سخنگوی دادگاه انقلاب اسلامی در بخش دیگری از سخنانش خود گفت:

«بدستور امام تا آخرین زندانی زندان اوین، کار دادگاههای انقلاب ادامه پیدا میکند. هزار مهم در بازداشتگاه اوین زندانی هستند، که اکثر آنان را افراد ساواک تشکیل میدهند.»

نراقی افزود:

«پاره‌ای مهملان، اوائل انقلاب، به کیفیت از زندان رفته اند که اکنون احساس میشود باید مجدداً برای ادامه تحقیقات و محاکمه احضار شوند.»

او در جای دیگر چنین گفت:

«در محاکماتی هم که بعد از این مقطع عمل میشود، دادگاه به هیچ کیفیت قاطعیت انقلابی خود را از دست نداده است.»

پیام سازمان ایالتی حزب توده ایران در گیلان بمناسبت سالگرد شهادت شش رفیق افسر توده‌ای کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی! در سحرگاه بیست و ششم مردادماه سال ۱۳۳۴، شش نفر از افسران سازمان نظامی حزب توده ایران بدست دژ خیمان محمدرضا شاهی و بدستور امپریالیسم چپانخور آمریکا تیرباران شدند.

این فرزندان شریف و مومن دوست خلق ما، که بانثار جان خود حقانیت حزب ما را اثبات کردند، همیشه در قلوب مبارزین صدیق و خلقهای ستمدیده ایران جای دارند. ما سوگند یاد میکنیم که به آرمانهای آنها، که پیوند جداناپذیر با آرمان خلق دارد، وفادار بمانیم. ما سوگند یاد میکنیم که راه پرافتخارشان را ادامه دهیم.

دروود برون پاک شهیدان قهرمان حزب ما!

توضیح

بنابه اطلاع رسیده، متأسفانه برخی مطالب مندرجه در مقاله‌ای که به مناسبت روز شهادت علی‌ابن‌ابی طالب در روزنامه مردم نگاشته شده بود، در برخی نقاط مورد تغییراتی قرار گرفته که گویا قصد برخورد خاصی نسبت به شخصیت مذهبی خلیفه سوم در میان بوده است.

چنانکه بارها گفته‌ایم، روش حزب ما احترام به مذهب و معتقدات مذهبی است و قصداً هانت به هیچیک از ادیان و مذاهب را ندارد و از این کار کمترین سودی نمی‌برد.

ما بنوبه خود از این جریان سخت متأسفیم و احترام صادقانه خود را به همه ادیان و مذاهب، بویژه به دین اسلام که دین مردم کشور ماست، و از آن جمله به مذهب جعفری اثنا عشری و مذاهب اربعه اهل تسنن یکبار دیگر تصریح میکنیم.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق